



تهیه شده در:

معاونت اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

تیرماه ۱۳۹۸

بررسی مسائل روز اقتصاد ایران

همکاران این شماره:

ناظر: نصیبه خیری

مجریان:

گزارش اول: فرناز صفدری

گزارش دوم: آیدا ابونبی

بیشتر بخوانید

برای مطالعه بولتن‌ها و بروشورهای مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، می‌توانید به سامانه بانک اطلاعات پژوهشی اتاق ایران به نشانی research.chambertrust.ir مراجعه کنید.

پیش از این مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی ۴ بولتن در ارتباط با قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی اتاق بازرگانی بین‌المللی جهت مبارزه با فساد به شرح ذیل منتشر کرده است. برای دسترسی به فایل گزارش‌های ۱ و ۲ می‌توانید با شماره تلفن ۸۵۷۳۲۰۱۰ کتابخانه تماس بگیرید. گزارش‌های ۳ و ۴ از طریق لینک‌های ارایه شده، قابل دانلود هستند.

۱- قوانین و دستورالعمل اجرایی اتاق بازرگانی بین‌المللی در زمینه مبارزه با فساد

۲- ماده قانونی اتاق بازرگانی بین‌المللی در زمینه مبارزه با فساد

۳- دستورالعمل اتاق بازرگانی بین‌المللی در خصوص نمایندگی‌ها، واسطه‌ها و سایر اشخاص ثالث

www.bit.ly/2xZBg2i

۴- دستورالعمل اتاق بازرگانی بین‌المللی در خصوص ارزیابی ریزکاوانه اشخاص ثالث (برای بنگاه‌های کوچک و متوسط)

www.bit.ly/2Y8NLTY

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

گزارش شماره ۱: اقتصاد سیاسی اصلاحات اقتصادی ۱

گزارش شماره ۲: نقش اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار در مبارزه علیه فساد ... ۱۹

اقتصاد سیاسی اصلاحات اقتصادی

خلاصه مدیریتی

آنچه در ادبیات اصلاحات اقتصادی در سال‌های اخیر اتفاق افتاده است، توجه به اصلاحات از منظر اقتصاد سیاسی است. بیشتر اقتصاددانان در همه جای دنیا به این نکته اشراف یافته‌اند که ارائه توصیه‌های اقتصادی صحیح مستلزم توجه به زوایای اقتصاد سیاسی هر جامعه است. اما در میانه پیوند ادبیات اقتصادی با دانش سیاسی نباید کوتاه‌بینی ناشی از مصلحت‌جویی‌های سیاسی جایگزین تحلیل‌های کارشناسی اقتصادی و نگرش‌های اقتصادی بلندمدت گردد که منافع کل جامعه را در بر دارد.

گرایش به انجام اصلاحات معمولاً در پی وقوع بحران‌های اقتصادی یا ناکارآمدی نهادها، سیاست‌ها و قوانین فعلی جوامع صورت می‌گیرد. به عبارتی، آحاد جامعه اعم از سیاستگذاران اقتصادی و مردم به این نتیجه می‌رسند که به منظور تحقق اهداف اقتصادی باید سیاست‌های ناکارآمد فعلی را کنار گذاشت و آنها را با سیاست‌هایی که از منظر تعادل پارتو^۱ وضعیت بهینه‌ای را در اقتصاد ایجاد می‌کنند جایگزین ساخت. اما تحقق اصلاحات حتی زمانی که جامعه بر سر آن اتفاق نظر دارد به آسانی قابل انجام نیست. وجود گروه‌های

^۱ تعادل پارتو حالتی از تخصیص منابع است که همه عوامل یک نظام از منظر تابع هدف در بهینه‌ترین وضعیت خود قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای که در آن امکان بهتر نمودن وضعیت یک فرد بدون بدتر کردن وضعیت فردی دیگر وجود ندارد.

منافع که در صورت تحقق اصلاحات، منافع شخصی، گروهی یا جناحی خود را از دست می‌دهند یکی از موانع پیش روی اصلاحات است. بر این اساس، دستیابی به توفیق در اصلاحات اقتصادی در گرو اجماع بین ارکان تصمیم‌گیری و توافق طرف‌های مؤثر بر سر صرف نظر کردن از منافع کوتاه‌مدت با هدف تحقق مصالح عمومی پایدارتر و بلندمدت‌تر جامعه است.

با توجه به اهمیت محدودیت‌های سیاسی در مسیر انجام اصلاحات اقتصادی، در این مقاله سه دسته عامل مهم که در مانع‌تراشی در مسیر اصلاحات نقش دارند تشریح شده است:

عامل نخست، مسئله **فقدان تعهد** است که به‌موجب آن، ارکان تصمیم‌گیری سعی می‌کنند شرایط حاکم را که در آن مواهب به طور نابرابر توزیع شده‌اند به همان صورت حفظ کنند. از دست دادن رانت‌ها و قدرت سیاسی در فردای اصلاحات عاملی است که جریان‌های ذی‌نفع و تصمیم‌گیر را از تعهد به اصلاحات اقتصادی باز می‌دارد؛ هرچند ادامه وضعیت موجود زیان سنگینی را متوجه کل جامعه می‌سازد.

عامل دوم، **هنجارهای جامعه** است؛ بدین معنا که باورهای عموم مردم در مورد هنجارهای رفتاری جامعه می‌تواند قوام‌بخش ادامه یک رفتار فسادآمیز مانند رشوه‌خواری یا مانع آن باشد. آویناش دیکسیت^۱، اقتصاددان هندی-آمریکایی (۱۹۹۶) برای توضیح این موضوع، از مدل دوراهی زندانی^۲ استفاده می‌کند. بر این اساس، باور جامعه در خصوص هنجارهای اجتماعی که سایر افراد جامعه دنبال می‌کنند می‌تواند زمینه‌ساز تداوم یک رفتار یا تغییر آن باشد. یکی از گام‌های اصلاحات در سطح جامعه، تغییر باور عموم مردم نسبت به مصالح آنها است. البته، مراجع اصلاحات که در پی تغییر هنجارهای اجتماعی هستند، باید از اعتبار و مشروعیت لازم برای این کار برخوردار باشند. باور جامعه به فاسد بودن گروه‌های مرجع اصلاحات، مشروعیت قانونی آنها را برای مبارزه با فساد می‌زداید.

عامل سوم، **ترجیحات سیاسی جامعه** در خصوص مصالح عمومی آن جامعه است. جامعه در برهه‌هایی که باید دست به انتخاب بزند ممکن است با ملاحظات قوم‌گرایانه یا ایدئولوژیک مسیری را برگزیند که اصلاحات را برای آن سخت‌تر کند. در جوامعی که ارکان حاکمیت بر اساس خرید رأی، ملاحظات قوم‌گرایانه یا جناح‌بندی‌های ایدئولوژیک به قدرت دست یافته‌اند، گروه‌های ذی‌نفع با هدف تأمین منافع حزبی و گروهی خود تصمیم‌گیری می‌کنند و این امر مانع حرکت جامعه به سوی اصلاحات اقتصادی می‌شود. زیرا به موجب اصلاحات، منافع به شکل دیگری بازتوزیع می‌شود و بهره‌عامه مردم از آن افزایش می‌یابد. این مشکل حتی در جوامع پیشرفته نیز دیده می‌شود و افراد بی‌آنکه از نظر شناختی متوجه دلیل تصمیمات خود باشند

¹ Avinash Dixit

² Prisoner's Dilemma



به‌گونه‌ای تحت‌الشعاع گرایش‌های سیاسی‌شان قرار می‌گیرند که حتی برای مبارزه با اصلاحات برهان‌تراشی می‌کنند. تعیین نهادهای اقتدارگرا و تقویت ارزیابی جامعه از مصالح عمومی، می‌تواند مشکل کوتاه‌نگری شهروندان در تشخیص مصالح بلندمدت را مرتفع سازد. نقش اهل فن و گروه‌های مرجع که به شفاف‌سازی و تنویر افکار عمومی می‌پردازند در این ارتباط بسیار حیاتی است. در بخش دیگری از مقاله، نکات و شروط قابل توجه در پیشبرد موفقیت‌آمیز اصلاحات برشمرده شده است.

۱- مقدمه

اصلاحات از منظر اقتصادی به معنای تغییر در سیاست‌های دولت یا قوانین نهادی با این انگیزه است که سیاست‌ها و نهادهای فعلی به‌خوبی پاسخگوی نیازها نیستند. در واقع، اصلاحات اقتصادی به معنای استفاده از سیاست‌ها و نهادهای جایگزینی است که می‌توانند برای تحقق اهداف اقتصادی، مؤثرتر واقع شوند. اما در مسیر اصلاحات اقتصادی، محدودیت‌های سیاسی نیز وجود دارند که مانع انجام اصلاحات می‌شوند. در این مقاله با طرح پرسش‌هایی در قالب جدید ادبیات اقتصاد سیاسی به این محدودیت‌ها پرداخته شده است. اقتصاد سیاسی اصلاحات اقتصادی، در قالب سه نسل از پژوهش‌های انجام شده به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

- نخست، چه مانعی بر سر راه اصلاحات اقتصادی (حتی در زمانی که جامعه از ضرورت اصلاحات آگاه است) وجود دارد؟ پاسخ کوتاه این است که تضاد منافع میان گروه‌های سیاسی-اجتماعی موجب می‌شود برخی از گروه‌ها اصلاحات را متوقف کنند تا بتوانند از مزایای شخصی بیشتری بهره‌مند شوند. دسته نخست مطالعات که حول پاسخ به این پرسش انجام شده است بر اصلاحاتی مانند تثبیت اقتصاد کلان، تعدیل مالی و حوزه‌های سیاست‌گذاری متمرکز است.
- دوم، اصلاً چرا تضاد منافع پیش می‌آید و چرا ادامه می‌یابد، یا چرا با وجود آنکه اصلاحات می‌تواند برای جامعه منافع قابل توجهی به همراه داشته باشد، همچنان گروه‌هایی در برابر آن مقاومت می‌کنند؟ مطالعات نخله دوم که برای پاسخ دادن به پرسش فوق انجام شده‌اند، مقارن با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای کمونیست اروپای شرقی هستند. این دسته از مطالعات، بر اصلاح نهادهای اقتصادی از نظام‌های دولت‌محور به نظام‌های مبتنی بر بازار تمرکز دارند. در این مطالعات، با وجود آنکه مؤلفه‌های ایدئولوژیکی بیشتری در ارتباط با سیاست‌های تعدیلی (متناسب با محدودیت‌های بودجه‌ای) وجود دارد، تأکید بر اصلاحات در راستای حرکت به سوی نظام‌های بازار است. مطالعات ناظر بر این نوع اصلاحات، بر شواهد قابل ملاحظه و قابل استنادی استوار هستند که عملکرد اقتصادی بهتر را در بازارهای رقابتی در مقایسه با تجربه ناموفق برنامه‌ریزی مرکزی توسط دولت به خوبی نشان می‌دهند.
- سوم، چرا مشارکت سیاسی مردم در سطح کلان از طریق مشارکت در انتخابات یا سازوکارهای غیر رسمی نتوانسته است منجر به تعریف منافع مشترک ناشی از اصلاحات و به حاشیه راندن گروه‌های دارای منافع شخصی گردد؟ بر خلاف دو نخله اول و دوم (که نقطه اوج‌شان به دهه ۱۹۹۰ بازمی‌گردد)، دسته سوم و اخیر مطالعات، ناظر بر اصلاحات بخش دولتی است که البته شواهد کمی دال بر جایگزین‌های بهینه برای حل مشکلات این بخش مشاهده می‌شود. در کشورهای در حال توسعه این پژوهش‌ها به طور عمده بر اصلاح نهادهای دولتی در راستای از بین بردن فساد و اصلاح انگیزه

کارکنان دولت متمرکز هستند. بر همین اساس است که سازمان‌های بین‌المللی توسعه‌ای اقدام به ایجاد سازمان‌های مبارزه با فساد در کشورهای فقیر کرده‌اند. در ادبیات معاصر، اصلاح نهادهای دولتی به منظور پاسخگویی به مسائل مرتبط با مصالح عمومی و مقابله با شکست بازار روندهای غالب هستند. در چارچوب جدید ادبیات اقتصاد سیاسی، اصلاحات اقتصادی با تمرکز بر گروه‌های برنده و بازنده ارزیابی نمی‌شوند، بلکه هنجارهای رفتاری و ترجیحات ناظر بر منافع عمومی جامعه مورد تأکید قرار گرفته‌اند. ممکن است علیرغم وجود توافق بر سر نیاز به تغییر شرایط در جامعه، شهروندان شرایط نامساعد فعلی را حفظ کنند زیرا باور دارند در شرایطی که دیگران منافع خود را دنبال می‌کنند آنها نیز می‌توانند منافع شخصی خود را تعقیب نمایند. چنین اتفاقی به مشکل هنجارهای غیرمشارکتی^۱ در جامعه اشاره دارد. از طرف دیگر، افراد جامعه ممکن است در مورد ماهیت مشکلات جامعه با هم اختلاف نظر داشته باشند. برای نمونه، در برخورد با بلایای طبیعی، باورهای ایدئولوژیک جامعه در مورد ماهیت این حوادث، نگرش جامعه را نسبت به نقش و سیاست دولت شکل می‌دهد. این مسئله به اولویت‌های جامعه در خصوص مصالح عمومی بازمی‌گردد که ممکن است با توجه به هزینه‌ها و مزایای مورد تصور جامعه، به تغییر مقاوم باشد. مثال دیگر، انجام اصلاحات در حوزه بهداشت عمومی یا آموزش است که اولی هدف کاهش هزینه‌ها و دومی، کاهش نابرابری‌های آموزشی را دنبال می‌کند. چنین اصلاحاتی می‌تواند در بن‌بست‌های سیاسی بین احزاب سیاسی و گروه‌های ایدئولوژیک مختلف حل‌نشده باقی بماند.

برابر با مباحث اقتصاد سیاسی، انجام اصلاحات اقتصادی در جامعه با محدودیت‌های سیاسی همراه است که حول سه محور در مقاله حاضر بررسی شده است. نخست، فقدان تعهد؛ دوم، هنجارها (یا باورهای جامعه در مورد چارچوب رفتاری جامعه)؛ و سوم، ترجیحات سیاسی جامعه در مورد مصالح عمومی. این سه مقوله در کنار یکدیگر، شبکه‌ای را شکل می‌دهند که افراد در چارچوب آن نسبت به اصلاح مشکلات تصمیم‌گیری می‌کنند.

۲- موانع اصلاحات اقتصادی از نگاه اقتصاد سیاسی

۲-۱- فقدان تعهد

میزان نامتوازن بودن توزیع هزینه‌ها و عواید اصلاحات، گویای مطالب بسیاری در خصوص توفیق یا عدم توفیق پیشبرد اصلاحات است. در غیاب وجود تعهد معتبر بین گروه‌های ذی‌نفع، چانه‌زنی‌ها بر سر اصلاحات و هزینه‌های آن اغلب به جنگ‌های فرسایشی تبدیل می‌شود که به تأخیرهای پرهزینه در اصلاحاتی که ضرورت آن مورد توافق همگان است می‌انجامد. زیرا گروه‌ها نمی‌توانند تعهد معتبری مبنی بر عدم

¹ Non-cooperative norms

استفاده از قدرت سیاسی‌شان در آینده بدهند. بنابراین، به دلیل فقدان تعهد معتبر بین گروه‌های ذی‌نفع، مشکل اعمال قدرت سیاسی در آینده همچنان باقی می‌ماند.

ادبیات نظری دهه ۱۹۹۰ میلادی که بر محورهای اقتصاد سیاسی اصلاحات مانند تثبیت اقتصاد کلان، آزادسازی تجاری، خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و اقدامات مرتبط با بازار تمرکز داشت، به‌خوبی بر این مسئله صحنه می‌گذارد. تجربه نشان می‌دهد که اصلاحاتی از این دست، دارای زیان‌های کوتاه‌مدتی هستند که پیش از تحقق عواید، به طور نامتوازن بین گروه‌های مختلف جامعه توزیع می‌شوند. اصلاحات در حوزه‌هایی مانند تعدیل مالی (که به دلیل محدودیت‌های بودجه و منابع ضروری است)، محدودیت‌های سیاسی دارد که در قالب چانه‌زنی‌های پرهزینه بر سر نحوه توزیع هزینه اصلاحات بین گروه‌های رقیب دنبال می‌شود و اغلب به جنگ‌های فرسایشی می‌انجامد.

زمانی که اصلاحات اقتصادی به تعویق می‌افتد، متولیان اصلاحات و مراجع تصمیم‌گیر آگاه هستند که به تعویق انداختن اصلاحات هزینه‌های اجتماعی بالایی دارد. بحث اصلی در مدل‌های «اصلاحات به تأخیر افتاده» که در آن همگان می‌دانند تأخیر در اصلاحات هزینه‌بر است و یا اینکه دستاوردهای اصلاحات پارتو بهینه نیست، کوشش برای قدرت سیاسی میان گروه‌های رقیب است. در واقع، در کانون همه این تأخیرها **تنازع بر سر قدرت سیاسی بین گروه‌های رقیب** دیده می‌شود. گروه‌های رقیب نمی‌توانند در خصوص تسهیم هزینه‌ها به اتفاق نظر برسند، زیرا دستیابی به چنین اجماعی مستلزم افشای اطلاعات در خصوص **قدرت سیاسی آنها** است. **توزیع نابرابر هزینه‌های اقتصادی اصلاحات و متعاقباً تضاد منافع بین گروه‌های ذی‌نفع** که به مشکل عدم تعهد انجامیده است به آسانی قابل حل نیست.

پرسش اساسی این است که جریان‌های ذی‌نفع با علم به اینکه فقدان تعهد معتبر بین گروه‌های ذی‌نفع هزینه‌های اجتماعی بالایی دارد و عواقب ناگواری برای کل جامعه خواهد داشت، **پس چرا نمی‌توانند نهادهایی طراحی کنند که این مشکل را برطرف کند؟** اصلاحات در صورتی که اصلاحات حقیقی باشند، شبکه‌ای از عواید و منافع را برای کل جامعه دربرخواهند داشت. به این معنا، اصلاحات واقعی فراتر از بازی حاصل جمع صفری است که منفعت برخی از گروه‌های آن، به قیمت متضرر شدن گروهی دیگر حاصل می‌شود. در چنین شرایطی، این نهادها هستند که با ایجاد بستر لازم موجب توزیع عواید گروه برنده و جبران هزینه گروه بازنده می‌شوند. در ادبیات اقتصادی، در پاسخ به مشکل جامعه مبنی بر فقدان تعهد معتبر، برخی اصلاحات نهادی پیشنهاد شده است. برای نمونه، تفویض سیاست‌گذاری پولی به بانک مرکزی «مستقل به لحاظ سیاسی» که مدیران آن بر اساس تخصص فنی و توانایی در اتخاذ سیاست‌های صحیح برگزیده می‌شوند، یک نمونه از چنین اصلاحات نهادی است.

از آنجا که اصلاحات نهادی وضعیت نابرابر فعلی را برهم می‌زند و منافع را به طور برابر توزیع می‌کند، متعاقباً هزینه‌های ناشی از اصلاحات برای گروهی بیشتر خواهد بود. در واقع، چنانچه نهادهای سیاسی و سیاست‌های حاکم بر جامعه به گونه‌ای باشد که رانت‌های گسترده‌ای را نصیب گروه‌های اندک ذی‌نفع سازد، این گروه‌ها انگیزه کافی برای پیشبرد اصلاحات نخواهند داشت. زیرا خاصیت اصلاحات این است که عواید را به طور گسترده‌تری توزیع می‌کند و از منفعت گروه‌های منافع می‌کاهد. به عبارتی، بزرگ‌ترین عاملی که راه حاکمیت قانون را سد می‌کند، این واقعیت است که جریان‌های ذی‌نفوذ که در غیاب حکمرانی قانون داری‌های نامشروع فراوانی اندوخته‌اند با حاکمیت قانون بسیار متضرر خواهند شد.

در بخش دیگری از ادبیات اقتصادی در توضیح نابرابری این‌گونه عنوان شده است که مواهب اقتصادی و سیاسی ابتدا به ساکن به طور نابرابر توزیع شده‌اند. به همین دلیل، جریان‌های ذی‌نفع انگیزه‌ای برای تغییر این روال و انجام اصلاحات ندارند. این امر در نهایت، به توسعه‌نیافتگی برخی جوامع انجامیده است. ادبیات مربوط به اصلاحات نهادی، مسئله فقدان تعهد را با مؤلفه‌هایی مانند **شرایط اولیه نابرابر در برخورداری از مواهب** (اعم از مواهب اقتصادی و قدرت سیاسی)، از جمله در اختیار داشتن ابزارهای اعمال قدرت مرتبط دانسته است. در شرایطی که نهادها و سیاست‌های فعلی، قدرت و عواید حاصله را (که بعضاً بسیار قابل توجه هستند) به طور ناهمگن و نابرابر توزیع می‌کنند، گروه‌های حاکم تمایل دارند نهادهای موجود را که از نظر بهینگی پارتو ناکارا هستند به همان صورت حفظ نمایند؛ زیرا می‌خواهند رانت و قدرت خود را در آینده از دست ندهند. به عبارت ساده، با توجه به توزیع اولیه نابرابر مواهب، بهبود وضعیت دیگران به معنای تضعیف منافع گروه‌های حاکم خواهد بود. در چنین وضعیتی، اصلاحات یا از طریق انقلاب میسر می‌شود یا باید تحول اساسی در ترکیب گروه‌های حاکم و ترجیحات شخصی آنها صورت گیرد. همچنین، بسیج عمومی نیروها و تهدید به براندازی نیروهای حاکم می‌تواند انگیزه بیشتری برای اصلاحات ایجاد کند. علاوه بر این، تغییر اساسی در مطالبات نیروهای حاکمیتی و گرایش بیشتر آنها به سمت مصالح عمومی جامعه که در سایه ترک رانت‌های شخصی و انجام اصلاحات نهادی عمیق میسر می‌شود، یکی دیگر از راه‌های مؤثر جهت پیشبرد اصلاحات به شمار می‌رود که در طول تاریخ ملت‌ها به آن اشاره شده است.

توزیع اولیه نابرابر مواهب که در بالا به آن اشاره شد، شرط لازم برای توضیح محدودیت‌های سیاسی بازدارنده اصلاحات نیست. محاسبه عقلانی هزینه-فایده اصلاحات که در پس مقاومت سیاسی گروه‌های منافع مشاهده می‌شود حرف‌های بسیاری برای توضیح این موضوع دارد. در واقع، تعویق اصلاحات یا مقاومت دولتمردان در برابر آن به دلیل تمایل گروه‌های ذی‌نفع به ماندن در قدرت و پیروی از ترجیحات ایدئولوژیک اتفاق می‌افتد. اگر تمام گروه‌ها هزینه اصلاحات را به طور مساوی پرداخت کنند، اصلاحات کمتر به تعویق می‌افتد. این عدم

تقارن در جامعه برای پرداخت هزینه اصلاحات را می توان با میزان همبستگی جامعه مرتبط دانست که با فقدان هنجارهای رفتاری مشارکت جویانه در جامعه تفسیر قابل تفسیر است. در بخش بعدی، این موضوع تشریح شده است.

۲-۲- هنجارهای جامعه

مطالعات اقتصاد سیاسی که بعد از موج دهه ۹۰ (که در آن تمرکز بر اصلاحات در سطح کلان بود) انجام گرفته، اغلب بر مشکلات خرد بنگاه ها در ارتباط با بخش عمومی کشورهای در حال توسعه تمرکز دارد. دیکسیت^۱، در چهارچوب نظریه کارفرما-کارگزار^۲، این موارد را با عنوان مشکل کارگزار مشترک^۳ صورت بندی می کند؛ زمانی که چند گروه قدرتمند صاحب منافع به عنوان کارفرما از طرف دولت، برای کنترل عملکرد بنگاه های دولتی تلاش می کنند. مسأله کانونی در مورد کارگزار مشترک آن است که در قراردادهایی که تحت نفوذ سیاسی دولتمردان بسته می شود، نمی توان از دادگاه خواست که طرف مقابل را وادار به اجرای قرارداد نماید. این قراردادها به دلیل عدم برخورداری از قابلیت دادرسی مشکل ساز می شوند؛ زیرا در آنها بررسی بروز نقض تعهدات طرفین و مطالبه خسارات احتمالی به نهاد ثالثی مانند دادگاه واگذار نمی شود، بلکه اجرای توافق و به کار بستن ضمانت های آن تماماً بر عهده طرفین قرارداد گذاشته می شود. این فقدان وجود ضمانت اجرایی قراردادهایی که بدنه اجرایی دولت منعقد می کند و اتکاء توافق ها به خود الزامی، شرایطی را ایجاد می کند که در اقتصاد با مدل معمای زندانی^۴ قابل تفسیر است.

^۱ اقتصاددان هندی-آمریکایی دانشگاه پرینستون

^۲ Principle-agent problem:

یکی از مباحث مطرح در حوزه اقتصاد اطلاعات، بحث «اطلاعات نامتقارن» است. یعنی موقعیتهایی که در آنجا یک بنگاه یا مصرف کننده اقتصادی چیزی را می داند که مصرف کننده یا بنگاه اقتصادی دیگر آن را نمی داند. بررسی رفتار، تحت اطلاعات نامتقارن، ضرورتاً مستلزم عکس العمل استراتژیک مصرف کنندگان یا بنگاه ها است. از آنجا که در شرکت های جدید، مالکیت و کنترل بنگاه از هم تفکیک شده است، در نتیجه مشکلی به نام کارفرما-کارگزار در آنها پدید می آید که ذیل بحث اطلاعات نامتقارن قابل بررسی است و به این واقعیت اشاره می کند که مدیران به جای آنکه به منافع صاحبان بنگاه، مالکان یا سهام داران و کارفرمایان (که سود کل یا ارزش بنگاه را به حداکثر می رسانند) فکر کنند، به دنبال حداکثرسازی منافع شخصی خود هستند. مدل کارفرما-کارگزار کاربردهای زیادی در دنیای واقعی دارد که روابط «سهام داران و مدیر»، «مدیر و کارمند»، «بیمار و پزشک»، «دانش آموز و معلم»، «بنگاه انحصار کامل و مشتریان»، «بیمه گر و بیمه گزار» و بسیاری موارد دیگر از آن جمله هستند.

^۳ Common agency:

مسأله «کارگزار مشترک» نامی است که به روابط چند جانبه ای داده می شود که در آن چندین کارفرما به طور همزمان تلاش می کنند عملکرد یک بنگاه (کارگزار) را تحت تأثیر قرار دهند. این وضعیت به ویژه در فرآیندهای سیاسی که منجر به سیاست گذاری اقتصادی می شود، رخ می دهد. به طور مثال، قانون گذاران تحت فشارهای مختلفی از جانب رأی دهندگان، مشارکت کنندگان و احزاب رسمی قرار دارند و در قبال آنها پاسخگو هستند.

^۴ Prisoner's Dilemma:

یکی از معروف ترین و مفیدترین بازی ها که کاربرد زیادی در اکثر زمینه ها به ویژه مسایل اقتصادی و تجاری دارد، بازی معمای زندانی است. این بازی در سال ۱۹۵۰ میلادی با هدف توصیف موقعیتی با رفتار معقول (رفتاری که سود قابل انتظار شخص را حداکثر کند) مطرح شد. در این بازی، دو متهم به یک اتهام دستگیر شده اند. پلیس شواهد کافی برای اثبات جرم متهمان ندارد و به دنبال آن است که دست کم یکی از آنها اعتراف کند. متهمان در سلول های جداگانه نگهداری می شوند و بنابراین نمی توانند با یکدیگر تبادل اطلاعات داشته باشند. در بازجویی، زندانیان می توانند اعتراف یا سکوت کنند. اگر هیچ کدام اعتراف نکنند، آنها به تخلف کوچکی محکوم و برای یک سال زندانی می شوند و اگر تنها یکی از آنها اعتراف کند، آزاد شده و شخص دیگر

انجام اصلاحات در جهت مبارزه با فساد در کشورهای در حال توسعه نمونه‌ای از مسائلی است که در قالب مسئله کارگزار مشترک قرار می‌گیرد. دیکسیت، معتقد است که فساد نظام‌مند و پایدار در جوامع را باید در چارچوب نظریه بازی‌ها و ذیل مدل دوراهی زندانی بررسی کرد. او این چهارچوب را برای تفسیر منافع گروه‌های مختلف رشوه‌دهنده به کار می‌گیرد. با وجود آنکه تضمین منافع طرفین در مقیاس جمعی جز با کاهش ارتشاء امکان‌پذیر نیست، اما افراد جامعه در سطوحی از فساد درگیر می‌شوند که می‌پندارند سایر افراد نیز از همین طریق منافع خود را تأمین می‌کنند. در واقع، افراد جامعه با این تصور که همه افراد در فساد دخیل هستند، به رفتارهای فسادآمیز مانند درخواست و پرداخت رشوه مجال بروز می‌دهند، زیرا هنجار اجتماعی جامعه را در این قالب یافته‌اند. دیکسیت معتقد است که ایجاد هنجارهای جدید برای کاهش فساد و رشوه‌خواری، مستلزم شکل‌گیری رفتارهای جمعی است. یکی از راه‌های بازتعریف هنجارهای اجتماعی در قالب مطلوب و مورد توافق جامعه، تأسیس مراکز و نهادهای مبارزه با فساد است. اما چرا کشورها نتوانسته‌اند با تأسیس مراکز مبارزه با فساد که به پایش رشوه‌خواری دولتمردان و رجل سیاسی می‌پردازد این مشکل را حل نمایند؟

شماری از مطالعات موردی در این زمینه نشان می‌دهند که عدم توفیق کشورهای فقیر در اصلاحات مرتبط با مبارزه با فساد (که تأسیس سازمان‌های مبارزه با فساد هم یکی از نمونه‌های آن است) به دلیل بی‌انگیزگی رهبران سیاسی و صاحبان قدرت جهت مبارزه با فساد اتفاق می‌افتد. باز این پرسش مطرح می‌شود که چرا رجل سیاسی و دولتمردان این کشورها که از تأثیر فساد بر کارایی و تحمیل هزینه بر ذی‌نفعان آگاه هستند، انگیزه کافی برای مبارزه با فساد ندارند؟ پژوهش‌ها حاکی از آن است که با وجود مشهود بودن آثار مبارزه با فساد در کوتاه‌مدت، این نتایج در بلندمدت می‌توانند متفاوت باشند. نکته قابل تأمل در این مطالعات، الگوهای تکرارشونده‌ای است که مقامات دولتی و رجل سیاسی کشورها برای دور زدن اصلاحات و حتی کارشکنی در روند اصلاحات در پیش گرفته‌اند، به گونه‌ای که فساد در این کشورها یا دوباره بازگشته است یا ظاهر جدیدی به خود گرفته است. شواهد نشان می‌دهد که در این کشورها اصلاحات با رویکرد سیاسی دستکاری شده‌اند، زیرا گمان می‌رفته است که تخطی از آنها تأثیر اندکی بر مبارزه با فساد خواهد داشت. در مجموع، در شرایطی که جوامع به وجود مشکل فساد گسترده و لزوم انجام اصلاحات واقف هستند، در مورد اینکه چه اصلاحاتی منجر به کاهش فساد می‌شوند تصویر شفافی وجود ندارد.

وجود هنجارهای غیر مشارکتی پایدار در جوامع، به خوبی توضیح می‌دهد چرا تلاش برای انجام اصلاحات توسط رهبران قدرتمند (به منظور انگیزه‌بخشی در راستای کاهش فساد)، با شکست مواجه می‌شود. بانک جهانی در این زمینه مطالعاتی دارد (۲۰۱۶) و (۲۰۱۷) که نشان می‌دهد چگونه تلاش‌ها جهت برطرف ساختن مشکل فساد در ارکان اجرایی دولت یا متوقف شده یا زمینه دیگری برای بروز فساد شکل گرفته است. مثالی از این موضوع، تجربه بروکرات‌های هند در اجرای طرح موسوم به «مأموریت ملی بهداشت روستایی»^۱ این کشور است که به دلیل مشکل جدی غیبت کارکنان و پزشکان بخش دولتی به اجرا درآمد. غیبت‌های زیاد افرادی که باید به ارائه خدمات پزشکی به اهالی روستاها می‌پرداختند، در ادبیات بانک جهانی به فساد خاموش تعبیر شده است. بروکرات‌های هندی برای مبارزه با این مشکل، از یک فناوری جدید استفاده کردند که حضور کارکنان را الزامی می‌ساخت. این نرم‌افزار از طریق ثبت اثر انگشت حاضرین در شروع و پایان هر روز کاری، به احراز هویت کارکنان می‌پرداخت و زمینه غیبت آنها را کاهش می‌داد. به مدد استفاده از این نرم‌افزار و افزایش حضور کارکنان، برون‌دادهای بهداشتی ملموسی به دست آمد. اما تخلفات فسادآمیز دیگری مانند هدایت بیماران به مطب‌های خصوصی و عدم ارائه مزایایی که بیماران به لحاظ قانونی می‌توانستند از آن بهره‌مند شوند جایگزین غیبت کارکنان و پزشکان طرح شد. همچنین، انگیزه کافی برای انجام اصلاحات و اجرای مؤثر آن وجود نداشت. به اعتقاد پژوهشگران، سیاستمداران محلی (که توسط مردم برگزیده شده بودند) و تصور می‌شد نسبت به بروکرات‌ها انگیزه بهتری برای نظارت بر خدمات‌رسانی بهداشت همگانی دارند، اعتقاد نداشتند که در غیبت از محل کار یا ارائه خدمات مشکلی وجود دارد.

پاره‌ای از نظریه‌های اقتصادی، عدم مشروعیت قانونی ارکان حاکمیت (که پیوند نزدیکی با هنجارهای جامعه دارد) را به عنوان بخشی از دلیل عدم توفیق کشورها در پیشبرد اصلاحات می‌دانند. در کشورهای فقیر، رواج فساد به گونه‌ای است که گروه‌های سیاسی ذی‌نفع به دلیل بهره‌برداری از رانت‌های فردی حاصل از مناصب دولتی خود، تمایلی به اصلاحات نهادی در راستای کاهش فساد ندارند. در این گونه کشورها حتی زمانی که رهبران تصمیم می‌گیرند فساد را در نظام توزیع دولت و سطوح خرد کاهش دهند، اصلاحات با شکست مواجه می‌شود. دلیل این اتفاق فاسد بودن خود دولتمردان، حداقل از دید جامعه است که این امر مشروعیت قانونی آنها را برای مبارزه با فساد در مقیاس کوچک‌تر و سطوح پایین‌تر می‌زداید.

یکی از راه‌هایی که دولتمردان و متولیان اصلاحات می‌توانند از طریق آن مشروعیت قانونی لازم را از نگاه جامعه کسب کنند تا ضمن تقویت هنجارهای مشارکتی جامعه بتوانند آحاد مردم را در پیشبرد

¹ India's National Rural Health Mission

اصلاحات با خود همگام سازند، استفاده از فرآیندهای دموکراتیک است. مطالعات تجربی نشان می‌دهد در جوامع دموکراتیک که مردم می‌توانند خودشان قواعد بازی را انتخاب کنند، مشروعیت رهبران از نگاه جامعه بیشتر می‌شود. در جوامع دموکراتیک، مردم می‌توانند با رأی دادن در خصوص یک سیاست یا یک اصلاح نهادی به گونه‌ای در سیاست‌گذاری‌ها سهم شونند که هنجارهای جامعه یک بازی هماهنگ را در جهت منافع عمومی جامعه شکل دهند (با تعیین اصلاحات با منشأ رأی مردمی و به صورت درون‌زا)، نه یک بازی دوراهی زندانی (با تعیین اصلاحات با منشأ تصمیمات قراردادی و به صورت برون‌زا). بر اساس مطالعات انجام‌شده، ضریب موفقیت اصلاحاتی که به صورت بومی و با منشأ رأی مردم تعریف شده‌اند از نسخه‌های خارجی اصلاحات بیشتر است. به عبارت دیگر، کشورهای در حال توسعه‌ای که سعی کرده‌اند با کمک گرفتن از سایر کشورها نهادهای کشورهای توسعه‌یافته را در شرایط بسیار متفاوت خود الگوبرداری و پیاده‌سازی کنند در این زمینه به اندازه کشورهای بومی خود تکیه کرده‌اند. توفیق نیافته‌اند.

این پدیده از هر زاویه‌ای بررسی شود، مقوله هنجارهای جامعه در آن مشهود است. آحاد جامعه علی‌رغم آگاهی نسبت به مزایای کاهش فساد برای کل جامعه، درگیر سطوح بالای فساد شده‌اند زیرا عقیده دارند که با توجه به رفتار سایرین، بهترین کار پیروی از رفتارهای فاسدانه است. برای نمونه، زمانی که بروکرات‌ها برای ارائه خدمات دولتی از شهروندان درخواست رشوه می‌کنند، معمولاً درخواست رشوه به دلیل پذیرش این عمل به عنوان هنجار رفتاری همه افراد جامعه اجابت می‌شود. زیرا در حافظه جمعی جامعه چنین شکل گرفته است که افراد در صورت امتناع از پرداخت رشوه، به هدف خود نمی‌رسند یا حتی بدتر، باید تاوان این امتناع را بپردازند. معمای دوراهی زندانی که برای تفسیر چنین پدیده‌ای به کار می‌رود شکست اصلاحات را در مقیاس اجتماعی توضیح می‌دهد که در آن فساد (بر خلاف ادبیات اقتصاد کلان دهه ۹۰ میلادی که به قدرت چانه‌زنی گروه‌های ذی‌نفع بازمی‌گشت)، پدیده‌ای مردمی، غیرسازمان‌یافته و گسترده در جامعه است. در هر صورت، هنجارهای جامعه در ارتباط با پدیده فساد مسئله پیچیده‌ای است که پژوهش‌های بیشتری را می‌طلبد. ترجیحات سیاسی جامعه که می‌تواند در کنار هنجارهای اجتماعی بر روند اصلاحات اقتصادی تأثیر بگذارد در بخش بعدی تشریح شده است.

۲-۳- ترجیحات سیاسی

در فضایی که سیاستمداران شفاف عمل می‌کنند، دولتمردان انگیزه بیشتری دارند تا به جای دور زدن قوانین در راستای افزایش منفعت‌های فردی و جناحی خود با پایش عملکرد یکدیگر از قوانین پیروی کنند. وقتی ارکان حاکمیت به الگویی برای جامعه تبدیل می‌شوند هنجار رفتاری جامعه نیز تغییر می‌کند. اما

پژوهش‌های اقتصاد سیاسی پیرامون اصلاحات در بانک جهانی این نکته را برجسته می‌سازد که سیاست، غالباً کثیف است. چنانچه در عرصه‌های سیاسی روش‌های ناسالمی مانند خرید رأی و قومیت‌سالاری رواج پیدا کند، ارکان حاکمیت از انگیزه و مشروعیت لازم جهت انجام اصلاحات برخوردار نخواهند بود، که به این موارد باید انتصاب رهبران بد را نیز افزود. برای بررسی این موارد، اگرچه عموماً در روش سنتی مطالعات اقتصادی از ارائه هرگونه توضیح مبتنی بر ترجیحات کوتاه بینانه یا مبهم کارگزاران اجتناب می‌شد اما جدیدترین مطالعات مرتبط با فهم محدودیت‌های سیاسی اصلاحات، به ترجیحات سیاسی شهروندان می‌پردازد (که می‌تواند کوتاه بینانه یا حتی مبهم باشد) تا دلیل ظهور رهبران غیر اصلح و چرایی مشروعیت نداشتن اصلاح‌گرایان خوش‌نیت و حذف آنها از صحنه تصمیم‌سازی جوامع را دریابد.

قوم‌گرایی در کشورهای فقیر و ایدئولوژی در کشورهای ثروتمند که به دلیل ترجیح منافع شخصی شهروندان به مصالح عمومی رخ می‌دهد، پاسخی است که این دسته از مطالعات برای توضیح دلیل انتخاب رهبران ناکارآمد و استمرار سیاست‌های مشتری‌پسند^۱ در کشورهای ثروتمند و دموکراسی‌های فقیر پیدا کرده‌اند. ترجیحات شهروندان در اولویت بخشیدن به منافع فردی و گروهی که با ملاحظات قوم‌گرایانه یا از طریق خرید رأی در انتخابات، در برابر مصالح عمومی قرار می‌گیرد، عوامل بسیار مهمی هستند که مانع پیشبرد اصلاحات در جوامع فقیر می‌شوند. همین نقش را ایدئولوژی در کشورهای ثروتمند ایفا می‌کند. بی‌دلیل نیست که در علوم سیاسی، به نقش عواملی مانند ایدئولوژی و کاریزمای رهبران سیاسی در جهت دادن به آرای انتخابات در اقتصادهای توسعه‌یافته اشاره شده است. شهروندان مستقیماً از پیروزی جناحی که به لحاظ ایدئولوژیک به آنها نزدیک است منتفع می‌گردند. پژوهش‌های کتابخانه‌ای نیز نشان می‌دهد که حتی شهروندان تحصیل‌کرده در کشورهای توسعه‌یافته از لحاظ شناختی در دام این محدودیت می‌افتند که سیاست‌هایی را مطالبه نمایند که منافع کوتاه‌مدت آنها را به قیمت از دست دادن منافع بلندمدت تأمین نماید.

تقسیمات قومی در برخی مطالعات به عنوان عاملی اصلی توضیح دهنده اینکه چرا برخی کشورها فقیر هستند و برخی دیگر ثروتمند معرفی شده است. حتی شواهد قوی مبنی بر رابطه بین جناح‌بندی‌های قومیتی و سطح پایین سرمایه‌گذاری در کالاهای عمومی وجود دارد که ارتباط بین محدودیت‌های سیاسی و اصلاحات لازم برای افزایش کالاهای عمومی را نشان می‌دهد. تحقیقات بیشتر نشان می‌دهد که **سیاست‌های هویتی**^۲ نیز می‌تواند انگیزه سیاست‌گذاران برای پیگیری اصلاحات را کاهش دهد. به طور

^۱ Clientelist politics

^۲ Identity politics: سیاست‌های هویتی، به ساده‌ترین تعبیر یعنی تکیه بر هویت‌های گروهی، قومی یا ملی، به‌جای محور قرار دادن اصول کلی و جهان‌شمول در سیاست‌گذاری

نمونه، در ایالت اوتار پرادش هند، احزاب سیاسی به گونه‌ای شکل گرفته‌اند که دارای هویت طبقاتی هستند. به عبارت دیگر، طبقات مختلف جامعه حزب مورد نظر خود را دنبال می‌کنند و کاندیداهای این احزاب با کسانی به رقابت می‌پردازند که مدعی مبارزه با جرم و فساد هستند. با توجه به آنکه شهروندان برای صداقت رهبران سیاسی نسبت به بازتوزیع مطمئن منابع در میان گروه‌ها ارزش کمتری قائل هستند، فساد افزایش می‌یابد.

نکته حائز اهمیت این است که جناح‌بندی قومی به خودی خود نمی‌تواند توضیح دهنده تفاوت در میزان توسعه اقتصادی باشد، بلکه این عامل به همراه **نابرابری اقتصادی قومیت‌ها** قدرت توضیح دهنده دارد. نابرابری اقتصادی میان گروه‌های قومی که از تفاوت در مواهب جغرافیایی سرزمین تاریخی آنها ناشی می‌شود، با سطح پایین GDP سرانه مرتبط است. در واقع تنازع برای بازتوزیع منابع بین گروه‌ها منجر به شکست سیاسی در انتخاب و اجرای سیاست‌های عمومی می‌شود که رشد و توسعه اقتصادی را به همراه دارند.

با این وجود، کوتاه‌نگری شهروندان عادی جامعه که توان تشخیص عواقب منفعت‌جویی‌های شخصی و مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی خود را ندارند نمی‌تواند توجیهی برای عملکرد نخبگان اقتصادی و سیاسی جامعه باشد که به شواهد فنی و اظهارنظرهای تخصصی دسترسی دارند و علیرغم آگاهی از پیامدهای سیاست‌های تبعیض‌آمیز به اصلاحات اقتصادی تن نمی‌دهند. یک راه حل نهادی در راستای برطرف ساختن مشکل کوتاه‌نگری شهروندان عادی جامعه در تشخیص مصالح عمومی بلندمدت، ایجاد **نهادهای اقتدارگرا** برای تصمیم‌گیری است. با این حال، داشتن نهادهای اقتدارگرای بیشتر به معنای عملکرد بهتر نسبت به نهادهای دموکراتیک نیست.

اما عدم تمایل گروه‌های نخبه و مرجع جامعه به اصلاحات که در ثروتمندترین کشورهای دنیا نیز مشاهده می‌شود، به چه دلیل اتفاق می‌افتد؟ یک پاسخ منطقی می‌تواند این باشد که با توجه به توزیع اولیه مواهب، انجام برخی اصلاحات بهینه پارتو نیست و تن دادن به این اصلاحات به معنای چشم پوشی نخبگان از برخی منافعشان است. بنابراین برای اینکه اصلاحات اتفاق بیفتد، نخبگان باید قانع شوند که منافع عمومی آن بیش از مقداری است که آنها ارزیابی کرده بودند.

در ارتباط با نهادهای دموکراتیک قدرتمند و رهبران سیاسی که باید در قبال خواسته‌های شهروندان، در سطح گسترده‌ای پاسخگو باشند، ادبیات موضوع اقتصاد سیاسی اصلاحات به درخواست‌های پوپولیستی از جانب مردمی که به عواقب چنین تقاضاهای اشراف کافی ندارند، اشاره دارد. به طور نمونه، مردم اروپا

علیرغم آگاهی از اینکه ادامه وضع موجود ممکن نیست، با اصلاح صندوق‌های بازنشستگی مخالف بودند.^۱ تحقیقات نشان می‌دهد که افزایش اطلاع‌رسانی در خصوص موضوع اصلاحات می‌تواند منجر به افزایش حمایت عمومی از آن شود. نقش اطلاع‌رسانی در خصوص اصلاحات، در کشورهای فقیر و حتی در مواردی که به نظر می‌رسد هویت قومی باعث مقاومت و داشتن ترجیحات غیرقابل تغییر در شهروندان می‌شود نیز به همین اندازه اهمیت دارد. با این حال، مسیر پیش روی اصلاحات چندان واضح نیست. راه‌حل‌های اقتصاد سیاسی اصلاحات به سادگی اطلاع‌رسانی به مردم درباره هزینه ادامه وضع موجود و یا منافع ناشی از اصلاحات نیست. به همان اندازه که تاکنون روی موضوع اصلاحات اقتصادی و محدودیت‌های سیاسی اصلاحات کار شده است، باید تلاش‌های جدی و علمی در خصوص ارتباط مؤثر جهت تغییر در باورها و ترجیحات شهروندان صورت گیرد. در واقع، بحث اطلاعات و ارتباطات با بحث اعتبار و مشروعیت رهبران در هم آمیخته است.

با این وجود حتی در کشورهای دارای رسانه‌های آزاد و متعدد (متعلق به گروه‌های مختلف فکری)، تکثر سیاسی به پیشبرد اصلاحات نیانجامیده است. در چنین شرایطی وجود رسانه‌ها نه تنها منجر به تغییر باورها نمی‌شود، بلکه حتی می‌تواند باعث تقویت باورهای قبلی شود. ارائه اطلاعات واحد در خصوص یک موضوع می‌تواند تجربیات شخصی و در نتیجه کلیشه‌های ذهنی کاملاً متفاوتی را در اشخاص بیدار کند که منجر به بروز واکنش‌های بعضاً متضاد می‌گردد. مثالی از این موضوع، بحث اصلاح قیمت‌های انرژی در کشورهای در حال توسعه است. مطالعات متعدد صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که اطلاع‌رسانی به شهروندان در خصوص هزینه یارانه‌های انرژی برای اصلاح این سیاست کافی نبوده است.

باور عمومی مردم درباره فساد مقامات رسمی و دولتمردان، سیاست‌های پیشنهادی دولتمردان نظیر اصلاح یارانه‌ها را در نظر مردم مشکوک جلوه می‌دهد و در نتیجه باید سیاستمدارانی صادق که برای ایستادگی در برابر خواسته‌های پوپولیستی انگیزه دارند، آنها را به اجرا درآورند. اعتبار و مشروعیت رهبران عامل کلیدی در پیاده‌سازی این سیاست‌ها است که خود این دو عامل در واقع به باورها و ترجیحات اشخاص ارتباط پیدا می‌کند. گام بعدی در مطالعات اقتصاد سیاسی اصلاحات بررسی این نکته است که ترجیحات منافع عمومی از کجا نشأت می‌گیرند و چه ترتیبات نهادی می‌تواند منجر به اصلاحات شود.

^۱ این توضیح مربوط به پژوهشی در سال ۲۰۰۲ بوده است.

۳- گزاره‌ها و شروط مؤثر در موفقیت اصلاحات اقتصادی

با توجه به آنچه تاکنون تشریح شد، متولیان اصلاحات اقتصادی باید در مسیر انجام اصلاحات به گزاره‌های کلی زیر توجه کنند:

۱- اصلاحات در صورتی به ثمر می‌نشیند که به معنای واقعی کلمه «اصلاحات» باشد؛ یعنی در برابر وضعیت پرهزینه کنونی، مزایای فراوانی به همراه داشته باشد. معنای اصلاحات اقتصادی در پژوهش‌های اقتصادی فراتر از تغییر یک نهاد یا یک سیاست است.

۲- تکیه بر مستندات کارشناسی و ادله فنی و دوری از قضاوت‌های ایدئولوژیک و جانبدارانه نسبت به شرایط فعلی و مزایای اصلاحات می‌تواند به افزایش ضریب موفقیت اصلاحات کمک کند. حضور هسته‌های فکری مستقل و مراکز پژوهشی که به تخصص کارشناسی مستقل شهرت دارند، در تمام دنیا به عنوان راهی برای تعیین مصالح عمومی استفاده می‌شوند.

در صورت تحقق موارد فوق، ممکن است گروه‌هایی متضرر شوند که این امر می‌تواند مسیر اصلاحات را سد کند. سیاست‌گذاران اصلاحات باید بتوانند گروه‌های منفعت‌باخته را این‌گونه راضی نمایند که آنها در منافع جمعی حاصل از اصلاحات سهیم خواهند بود. با این حال، رانت‌جویی‌های آتی، مشکل دیگری است که گروه‌های منفعت‌باخته ممکن است با وجود توافق بر سر اصلاحات بار دیگر به آن متوسل شوند. در صورتی که منافع از دست رفته این گروه‌ها به قدری زیاد باشد که سیاست‌گذاران اصلاحات نتوانند با آنها به مصالحه دست یابند، باید از گزینه زیر استفاده نمود:

۳- چنانچه گروه‌های ذی‌نفعی که به دلیل اصلاحات منافع عظیمی از دست می‌دهند، از قدرت بالایی برخوردار باشند می‌توانند مانع انجام اصلاحات شوند. در این صورت، اصلاح نهادهای سیاسی در راستای پشتیبانی از سایر سیاست‌های اصلاحی ضروری است. چانه‌زنی‌های کوتاه‌مدت بر سر اصلاحات باید با فهم نهادی همراه گردد تا بتوان پاسخ این پرسش را یافت که آب‌خور قدرت یافتن برخی منفعت‌طلبی‌ها کجاست. قطعاً گروه‌های ذی‌نفع که به راحتی می‌توانند مانع تحقق اصلاحات شوند از روش‌هایی مانند زیان‌بخش جلوه دادن اصلاحات برای برندگان اصلی آن یعنی شهروندان استفاده می‌کنند. روش دیگری که این گروه‌ها از آن بهره می‌جویند، منحرف ساختن افکار عمومی به سمت جنبه‌های غیر اقتصادی اصلاحات از جمله جنبه‌های اجتماعی و مذهبی اصلاحات است که توجه به این ابعاد غیراقتصادی و غیرمستقیم موجب خسران جامعه به طور مستقیم از سیاست‌های اقتصادی‌ای می‌شود که ادامه آنها به زیان مردم است.

۴- چنانچه شرایط بالا محقق شوند اما اصلاحات با مانع تراشی مطالبات عوام گرایانه مواجه شود یا جریان های ذی نفع که منافع خود را در خطر می بینند به گسترش اطلاعات غلط علیه اصلاحات بپردازند، سیاستگذاران اصلاحات و اهل فن باید با روشنگری و ارائه شواهد معتبر، جامعه را از اثرات مثبت اصلاحات آگاه سازند و در راستای تغییر باورها، هنجارها و ترجیحات جامعه بکوشند.

البته، ممکن است گروه های مرجع اصلاحات این گونه تشخیص دهند که علاوه بر تنویر افکار عمومی، باید به سایر عرصه های سیاست گذاری که در ایجاد مشکلات فعلی نقش داشته اند وارد شوند. به عبارتی، مشروعیت بخشی و اعتبار بخشی به یک سیاست ممکن است سیاست هایی را بطلبد که در بسته اصلاحات پیشنهادی نیست، اما برای متقاعد ساختن افکار عمومی و همراه ساختن جامعه با اصلاحات باید از آن استفاده نمود. برای نمونه، در ارتباط با مقوله ای مانند قطع یارانه ها، ممکن است جامعه علی رغم درک هزینه های آن با اصلاحات همراه نگردد، زیرا هنوز به این باور نرسیده است که نهادهای حاکم می توانند منافع او را تأمین کنند [۱].

علاوه بر گزاره های کلی فوق که در مسیر انجام اصلاحات اقتصادی باید بدان توجه نمود، در ادبیات اقتصادی شروط مختلفی را برای تحقق و افزایش موفقیت اصلاحات اقتصادی بر شمرده اند که در زیر مجموعه ای از آنها قید شده است [۲]:

۱. اصلاحات سیاستی در پاسخ به بحران اتخاذ می شوند.
۲. کمک ها و حمایت های بیرونی بخش مهمی از موفقیت اصلاحات اقتصادی را تشکیل می دهند.
۳. نظام های اقتدار گرا در پیشبرد اصلاحات اقتصادی موفق تر هستند.
۴. گروه های مرجع اصلاحات در ابتدای اصلاحات که هنوز مخالفت ها آغاز نشده است، از حمایت جامعه برخوردار هستند.
۵. ابقاء اصلاحات امر خطیری است و دولت ها باید ابتدا، حمایت های تقنینی لازم را از آن به عمل آورند.
۶. در صورتی که مخالفت ها با اصلاحات ضعیف و غیر متمرکز باشد، دولت ها برای جبران نبود حمایت قوی از اصلاحات با مشکل جدی مواجه نخواهند بود.
۷. وجود اجماع در سطح اجتماع مهره مهمی در پیشبرد اصلاحات است.
۸. مراجع با بصیرت برای رهبری جامعه در تحقق اصلاحات نقش مهمی دارند.
۹. تیم اقتصادی دولت برای انجام اصلاحات باید از انسجام و وحدت برخوردار باشد.
۱۰. اصلاحات موفق نیازمند برنامه جامعی است که قابلیت اجرای سریع و به موقع داشته باشد.
۱۱. اصلاحات، نیازمند استفاده خوب از شبکه های ارتباط جمعی است.

با وجود آنکه عوامل فوق‌الذکر در افزایش ضریب موفقیت اصلاحات اقتصادی مؤثر هستند، اما هیچ یک از این عوامل را نمی‌توان عامل لازم یا کافی برای موفقیت اصلاحات دانست.

۴- جمع‌بندی

خاصیت اصلاحات اقتصادی این است که عواید را به طور گسترده‌تر و متوازن‌تری توزیع می‌کند و از منفعت‌طلبی گروه‌های منافع می‌کاهد. در امر اصلاحات این مسئله حائز اهمیت است که افکار عمومی و جریان‌های ذی‌نفع قانع شوند که منافع بلندمدت حاصل از اصلاحات اقتصادی و حل چالش‌ها، عواید بیشتر و پایدارتری را نصیب اکثریت ذی‌نفعان جامعه خواهد کرد. بر این اساس، اصلاحات اقتصادی بسیار فراتر از تغییر یک نهاد یا یک سیاست است. در ادبیات اقتصاد سیاسی، راهکارهایی برای تسهیل و تسریع اصلاحات اقتصادی عنوان شده است که به طور کوتاه عبارتند از: حل تعارض منافع کوتاه‌مدت (فردی، جناحی و حزبی) و بلندمدت در جامعه، آگاه ساختن جامعه از مصالح جمعی و مشترک که به‌موجب آن بتوانند اولویت‌های سیاستی را به درستی تشخیص دهند و با آن همراه گردند، تقلیل جناح‌بندی‌های قومیتی و افزایش سرمایه‌گذاری در مصالح عمومی، تغییر هنجارهای غیرمشارکتی در جامعه، اصلاح انگیزه‌ها و نهادهای اقتصادی، ایجاد نهادهای تصمیم‌گیر قوی، شکل‌گیری وحدت رویه در ارکان تصمیم‌گیری که به انسجام در اجرای اصلاحات بیانجامد، انجام اصلاحات نهادی در راستای افزایش تعهد در ارکان حکمرانی، تدوین چارچوب‌های تقنینی لازم جهت حمایت از اصلاحات، و افزایش مشروعیت و اعتبار گروه‌های مرجع که بتوانند جامعه را به سمت اصلاحات رهنمون کنند. تمامی این موارد راهکارهایی هستند که به منظور افزایش ضریب موفقیت اصلاحات اقتصادی، در اقتصاد سیاسی اصلاحات به آنها پرداخته شده است. البته، هیچ کدام از این مؤلفه‌ها به تنهایی و بدون در نظر گرفتن محدودیت‌ها و مشکلات سایر عرصه‌های سیاستگذاری که در وقوع بحران‌ها و چالش‌های اقتصادی فعلی نقش داشته‌اند، نمی‌توانند تأثیر شگرفی در تغییر شرایط داشته باشند.

منابع و ماخذ

- [1] Khemani, Stuti. 2017. Political Economy of Reform. World Bank Group.
[2] Rodrik, Dani. 1996. Understanding Economic Policy Reform. Journal of Economic Literature, Vol. XXXIV, pp. 9-41, available from:
<http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.207.2130&rep=rep1&type=pdf>

پیوست ۱: توضیح تکمیلی معمای زندانی

همان‌گونه که اشاره شد معمای زندانی یکی از مشهورترین و مفیدترین بازی‌ها در اقتصاد است. این مسأله در اقتصاد این‌گونه بیان می‌شود:

موقعیتی را فرض کنید که دو رقیب در برابر یکدیگر مسابقه‌ای را برگزار می‌کنند که قادر به برقراری ارتباط با هم نیستند. هر یکی از دو رقیب دو انتخاب دارند: همکاری (حالت C) یا عدم همکاری (حالت d). با توجه به نوع انتخاب رقیبان، به هر کدام عایدی تعلق می‌گیرد. اگر هر دو نفر حالت همکاری را انتخاب کنند، هر کدام ۰.۷ دلار عایدی دریافت می‌کنند. اگر رقیب اول C و رقیب دوم d را انتخاب کند، رقیب اول ۱ دلار عایدی دریافت می‌کند و دومی هیچ عایدی دریافت نمی‌کند. اگر این حالت برعکس رخ دهد، رقیب دوم 1 دلار عایدی دریافت کرده و اولی هیچ عایدی دریافت نمی‌کند. در حالتی که هر دو d را انتخاب کنند، به هر کدام ۰.۳ دلار عایدی داده می‌شود. ماتریس این بازی در شکل زیر نشان داده شده است.

		رقیب (بازیکن) دوم	
		همکاری	عدم همکاری
رقیب (بازیکن) اول	همکاری	۰.۷ و ۰.۷	۱
	عدم همکاری	۱	۰.۳ و ۰.۳

بدیهی است در این بازی راهبرد بهینه برای هر دو بازیکن عدم همکاری است. بازی معمای زندانی اگر چندین مرتبه تکرار شود به بازی **معمای زندانی تکراری**^۱ تبدیل می‌شود. در این حالت هر بازیکن فرصت می‌کند رفتار خود را با توجه به مشاهداتش از رفتار بازیکن دیگر در مراحل قبل وفق دهد و بدین ترتیب این امکان پدید می‌آید که بازیکن دریابد آیا طرف مقابل تمایلی به همکاری متقابل دارد یا خیر. نکته حائز اهمیت در این مسأله این است که هر بازیکن به فکر بیشینه کردن عایدی خود در طول بازی است و به عایدی بازیکن دیگر اهمیتی نمی‌دهد (زیرا هدف بیشینه کردن عایدی خود است و نه شکست رقیب). بنابراین، انتخاب راهبرد عدم همکاری در طول این بازی تکراری نمی‌تواند راهکار مناسبی برای به دست آوردن حداکثر عایدی باشد.^۲

^۱ Iterative prisoner dilemma

^۲ منبع: منتظر و همکاران، ۱۳۹۱، مدل‌سازی و تحلیل بازی معمای زندانی تکراری به کمک شبکه عصبی مصنوعی پادانتشار گراسبرگ، نشریه مهندسی برق و مهندسی کامپیوتر ایران

نقش اتاق های بازرگانی و انجمن های کسب و کار در مبارزه علیه فساد

خلاصه مدیریتی

شرکت ها و بنگاه های اقتصادی زمانی اخلاقی رفتار کرده و علیه فساد اقدام می کنند که این اطمینان را داشته باشند که رقبای آنها نیز به استانداردهای اخلاقی مشابه خودشان پایبند باشند. اتاق های بازرگانی و انجمن های کسب و کار این پتانسیل را دارند که خطمشی درست را به شرکت ها برای مبارزه علیه فساد در حوزه فعالیت شان ارائه دهند.

در این گزارش اتاق های بازرگانی و انجمن های کسب و کار با هم یکی در نظر گرفته شدند، چراکه معمولاً نقش این دو نهاد در مبارزه علیه فساد با هم همپوشانی دارد. در واقع اتاق ها و انجمن ها، ویژگی های کلی یک سازمان دولتی را دارند اما بدنه حاکمیتی به شمار نمی روند. این موضوع بدان معنی است که نمی توانند از جانب اعضای خود تصمیم گیری کنند یا اعضا را مجبور به متابعت و پیروی نمایند. اعضای اتاق در تصمیم گیری نسبت به پذیرش توصیه ها و تعهدات تعریف شده از سوی اتاق و اعمال آنها در بنگاه خود آزاد هستند. بنابراین با توجه به این رویکرد، پاسخ به این سؤال که اتاق های بازرگانی و انجمن های کسب و کار چگونه می توانند به مبارزه علیه فساد کمک کنند در واقع بستگی به نقشی دارد که آنها می توانند در تسهیل اقدامات جمعی بازی کنند. در واقع در یک فضای جمعی، شرکت ها در صورت آگاهی از این امر که رقبای آنها هم اقدامات ضد فساد را تأیید می کنند، مشوق لازم برای مبارزه علیه فساد و حاکمیت قانون در شرکت خود

را پیدا می‌کنند. علاوه بر آن این نهادها می‌توانند سبب تقویت مشارکت عمومی در تصمیمات دولت در مبارزه علیه فساد شوند.

اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار به روش‌های گوناگونی فعالیت‌های ضد فساد خود را انجام می‌دهند. آن‌ها می‌توانند اقدامات جمعی را تسهیل بخشند، به صورت جمعی از اصلاحات حمایت کنند، شفافیت و پاسخگویی تصمیمات دولت را خواستار شده یا اعضای خود را به هماهنگی بیشتر در این زمینه تشویق نمایند.

مثال‌های مختلف از اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار در سراسر دنیا نشان می‌دهد که این نهادها نقش اساسی در تنظیم استانداردهای ضد فساد برای کسب‌وکارها مخصوصاً از طریق برنامه‌های ارائه مجوز و تصویب کدهای رفتاری دارند. سایر حوزه‌های فعالیت اتاق‌ها در این عرصه شامل آموزش، بالا بردن آگاهی و حمایت است.

بخش خصوصی در همه دنیا نقش اساسی در مبارزه علیه فساد بازی می‌کند. بنابراین دولت‌ها و سازمان‌های مدنی به منظور مبارزه مؤثر با فساد باید به دنبال مشارکت نظام‌مند و سازنده بخش خصوصی به‌عنوان منبع فساد از یک‌سو و حامی بالقوه مبارزه علیه فساد از سوی دیگر باشند.

طرح‌هایی نظیر معاهده جهانی سازمان ملل^۱ (ماده ۱۰) از بخش خصوصی دعوت به عمل آورد که در مبارزه علیه فساد در همه اشکال آن مشارکت نماید. از دیگر سو شرکت‌ها به دلیل ترس از رقبا یا هراس از در اختیار گذاشتن اطلاعات محرمانه خود ممکن است نسبت به مبارزه علیه فساد بی‌میل باشند.^۲ راهکار احتمالی این مشکل، پذیرش یک رویکرد اقدام جمعی است، جایی که بتوان شرکت‌ها را به رفتار اخلاقی و مبارزه علیه فساد متعهد کرد.

در این چارچوب اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار^۳ به‌عنوان تسهیل‌کننده این فرآیند شناخته می‌شوند. با وجود تفاوت در ماهیت این دو نهاد، هر دو آن‌ها منافع فعالان اقتصادی را بازتاب داده و خط‌مشی درست برای مباحثه و انتشار مسائل مرتبط در این حوزه را ارائه می‌کنند. تحت هدایت اتاق‌ها و انجمن‌ها، شرکت‌ها مشوق کافی برای رفتار اخلاقی و حمایت از اصلاحات پیدا می‌کنند، مخصوصاً اگر رقبای آن‌ها هم این اقدامات را تأیید نمایند.

در هر صورت پاسخ به این سؤال که اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار چگونه می‌توانند به مبارزه علیه فساد کمک کنند در واقع بستگی به نقشی دارد که آن‌ها می‌توانند در تسهیل اقدامات جمعی بازی کنند.

باید به این نکته توجه داشت که ویژگی‌های خاص هر کشور نظیر رژیم سیاسی، پیشینه تاریخی کسب‌وکار در آن کشور و تاریخ اتاق‌های بازرگانی همواره بر ماهیت اتاق‌ها و انجمن‌ها در آن کشور اثرگذار است. در واقع ضروری است که برخی پیش‌شرط‌های اساسی وجود داشته باشد تا اتاق‌ها و انجمن‌ها بتوانند کارایی و

^۱ The United Nations Global Compact:

یکی از پیمان‌های غیرالزام آور سازمان ملل است که فعالان کسب و کار در سراسر دنیا را به پذیرش سیاست‌های مسئولیت اجتماعی و توسعه پایدار و گزارش در رابطه با اقدامات خود دعوت می‌کند.

^۲ برای مطالعه بیشتر در این خصوص به گزارش دیگر همین شماره از بولتن با عنوان «اقتصاد سیاسی اصلاحات» مراجعه نمایید.

^۳ تفاوت اتاق بازرگانی با انجمن کسب و کار: انجمن به دسته‌ای از مردم می‌گویند که در جایی گرد آمده باشند یا مکان این گرد آمدن که برای کنکاش یا امر دیگر صورت گیرد. گاهی نام‌های گروه، فوج، مجمع، مجلس هم همین معنی را می‌دهد. مهم‌ترین عاملی که باعث اختلاف معنای انجمن با یک گروه یا دسته از مردم می‌شود داشتن هدف مشترک است. اتاق بازرگانی اما تشکلی است که در آن تجار عمده و صاحبان صنایع برای هماهنگی فعالیت‌های خود و چانه‌زنی با نهادهای حکومتی برای تأمین منافع‌شان تلاش می‌کنند.

تاب‌آوری خود را در مبارزه علیه فساد حفظ نمایند که این موضوع به‌شدت متأثر از فضای خاص آن کشور است [۱].

اتاق‌های بازرگانی برای کسب موفقیت در مبارزه علیه فساد نیازمند توسعه اقدام جمعی به معنی حضور متحد همه بازیگران این عرصه، ایجاد یک رویکرد هماهنگ برای مبارزه با فساد، نظارت بر اجرای درست قوانین موجود و درنهایت بهبود همکاری با دولت و سایر ذی‌نفعان است.

۲- نقش و جایگاه اتاق‌های بازرگانی در مبارزه با فساد

در مبحث فساد مهم‌ترین مسئله آن است که دولت پاسخگو و حامی تغییرات باشد. اتاق‌ها و انجمن‌های کسب‌وکار این توانایی را دارند که دولت را مجبور به اصلاح مقررات و بوروکراسی‌ها خود کرده و جامعه را به سمت فضایی هدایت کند که فرصت کمتری برای فساد وجود داشته باشد. در واقع رابطه دولت و بخش خصوصی و تأثیر اتاق‌ها بر سیاست‌های دولت نقش مهمی در مبارزه علیه فساد دارد. این روش مستقیم مداخله اتاق‌های بازرگانی در مبارزه علیه فساد است. اتاق‌ها اما به شکل غیرمستقیم‌تری نیز می‌توانند در این فرآیند نقش‌آفرینی نمایند. در این مسیر، اتاق‌ها این امکان را دارند که اعضای خود را مجبور کنند تا کسب‌وکار خود را به روشی اخلاقی و شفاف اداره نمایند. ابزار اتاق برای رسیدن به این هدف پیوند زدن عضویت در اتاق با نحوه اداره بنگاه به روشی اخلاقی و با ریسک فساد کمتر است.

ذکر این نکته ضروری است که در هر کشور عوامل خاص مربوط به فضای آن کشور مانع رشد و شکوفایی بخش خصوصی و توسعه فساد در آن کشور است. اولین گام اتاق‌ها و انجمن‌ها در این مسیر آن است که ناکارآمدی در سیستم بوروکراسی کشور را شناسایی نمایند، چراکه اغلب مهم‌ترین عامل در تولید فساد در کشور است. به‌طور مثال باید از کدهای مالیاتی پیچیده، فرآیندهای بلندمدت ارائه مجوز و سیستم قضایی ناکارآمد یاد کرد که محیط را برای وقوع فساد آماده می‌کند. در واقع اتاق‌ها و انجمن‌ها اطلاعات دست‌اولی از محیطی که در آن فعالیت می‌کنند دارند و بدین ترتیب بهترین مکان برای شناسایی مسائل و چالش‌های مرتبط با محیط کسب‌وکار هستند. اتاق‌ها می‌توانند همگام با مبارزه علیه مقررات دست و پاگیر و قوانینی که منجر به فساد می‌شود، به‌صورت فعالانه در موارد زیر نیز مشارکت داشته باشند:

- ارائه خدماتی در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری و گسترش تجارت به‌منظور کاهش تعداد شرکت‌هایی که به‌صورت غیررسمی فعالیت می‌کنند. به‌طور مثال اتاق‌ها می‌توانند یک سیستم جایگزین برای وام‌دهی از طریق سازمان‌های اعتباری و با ملاک سنجش اعتبار شرکت ارائه نمایند.
- ساخت و استفاده از کانال‌های اطلاعاتی و ارتباطی با دولت، جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی
- استفاده از روابط عمومی و تبلیغات مثبت

- همکاری با دیگر نهادهای داخلی و بین‌المللی به‌منظور اتخاذ یک رویکرد واحد در مبارزه علیه فساد
- همکاری و تعامل با ادارات دولتی به‌منظور تضمین درستی، پایداری و کارآمدی تلاش‌ها در سطح ملی و بین‌المللی به‌منظور جلوگیری از فساد

علاوه بر آن اتاق‌ها و انجمن‌ها پتانسیل مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه مبارزه علیه فساد را دارند. در واقع اتاق‌ها می‌توانند محفلی ایجاد کنند که فشار همتایان^۱ به‌عنوان مشوقی قدرتمند در جهت بهبود رفتار درست در یک سازمان و اجرای قانون عمل نماید. این یکی از ابزارها برای شناسایی فساد در بخش خصوصی است. باید اذعان داشت که اتاق‌ها در این میان نقشی غیرمستقیم داشته و بیشتر بر روی آموزش و آگاه‌سازی کسب و کارها تمرکز می‌کنند. در این راستا اتاق‌ها می‌توانند مسئولیت‌های زیر را به عهده بگیرند:

- سخنرانی عمومی علیه فساد
- الگوی رفتار سازمانی به‌عنوان سازمانی بر اساس درستی، شفافیت و حاکمیت شرکتی خوب
- ارائه کدهای رفتاری مؤثر برای متعهد کردن اعضا به سیاست‌های شدید ضد فساد

۳- اقدامات اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار در مبارزه علیه فساد

شرکت‌ها در صورتی که رقبای آن‌ها نیز به مبارزه علیه فساد بپیوندند احتمال بیشتری وجود دارد که درگیر این موضوع شوند. در این راستا انجمن‌های کسب‌وکار می‌توانند خط‌مشی درستی به شرکت‌ها برای حوزه فعالیت مخصوص آن‌ها ارائه دهند.

اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار به روش‌های گوناگونی فعالیت‌های ضد فساد خود را انجام می‌دهند. آن‌ها می‌توانند اقدامات جمعی را تسهیل بخشند، به‌صورت جمعی از اصلاحات حمایت کنند، شفافیت و پاسخگویی تصمیمات دولت را خواستار شده یا هماهنگی بیشتر شرکت‌ها در بین اعضای خود تشویق نمایند.

۳-۱- تسهیل اقدامات جمعی

در تعریف بانک جهانی اقدام جمعی به معنی روند همکاری پایدار و هماهنگ میان ذینفعان است. این موضوع به‌طور قطعی تأثیر و اعتبار اقدامات فردی را افزایش داده، بازیگرانی را که به‌صورت فردی آسیب‌پذیر هستند را حول یک سازمان با ذهنیت مشابه متحد ساخته و سطح بازی میان رقبا را کنترل می‌کند. اقدام جمعی می‌تواند مکمل یا به‌طور موقت جایگزین قوانین ضعیف و اقدامات عملی بر ضد فساد باشد.

Peer pressure^۱: تأثیرپذیری اعضای یک گروه از یکدیگر

در این چارچوب اقدام جمعی یک رویکرد استراتژیک است که کسب‌وکارها را حول یک استاندارد واحد متحد ساخته تا با همکاری سازمان‌های جامعه مدنی (CSOs)^۱، بخش عمومی و سایر ذی‌نفعان با فساد مبارزه کنند.

اقدام جمعی می‌تواند شامل رویکردهای کوتاه‌مدت و بلندمدت در کنار اقدامات گوناگونی نظیر پیمان‌های اتحاد^۲، مکانیسم‌های صدور مجوز و اعلامیه‌های ضدیت با فساد باشد.

بر طبق ادبیات موجود در این حوزه، اقدام جمعی زمانی موفق خواهد بود که از سوی نهادهایی شامل CSOs، اتاق‌های بازرگانی، انجمن‌های کسب‌وکار و اتحادیه‌های تجاری حمایت شود. اما باید توجه داشت که در حال حاضر درگیری اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار در حوزه اقدام جمعی بسیار محدود است. تاکنون اکثریت اقدامات جمعی از سوی CSOs انجام گرفته که نقش کلیدی در ایجاد همکاری میان بخش خصوصی و دولتی مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه داشته است.

با وجودیکه حمایت از حضور CSOs نقش اساسی در اعتبار بخشیدن به این فرایند دارد، اما باید توجه داشت که اتاق‌های بازرگانی نیز می‌توانند نقش پررنگ‌تری در بسیج شرکت‌ها و همکاری رقبا و تأمین‌کنندگان در اقدام واحد علیه فساد باشند.

۳-۲- حمایت از اصلاحات

اتاق‌های بازرگانی همچنین می‌توانند نقش اساسی را در حمایت از اصلاحات حقوقی و سازمانی داشته باشند. شرکت‌ها معمولاً از توانایی ویژه‌ای برای ارزیابی زمینه‌های بروز فساد در شرکت‌های دولتی دارند. انجمن‌های کسب‌وکار و اتاق‌های بازرگانی می‌توانند با احصای این اطلاعات بوسیله ابزارهایی که در اختیار دارند، برای اصلاح بخش‌های مذکور تلاش کنند. به طور مثال تلاش‌های حمایتی اتاق‌ها می‌تواند شامل تقاضا برای ایجاد شفافیت بیشتر و پاسخگویی در فرآیندهای خرید دولتی و تسهیل فرآیندهای انجام کسب‌وکار در کشور باشد.

^۱ CIVIL SOCIETY ORGANIZATIONS (CSOs):

سازمان‌هایی غیردولتی، غیرانتفاعی و نهادهایی داوطلبانه هستند که توسط مردم و مجزا از دولت و بازار تشکیل می‌شود. این سازمان‌ها نماینده طیف وسیعی از منافع شامل سازمان‌های اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی بوده و شامل کسب و کارها و انجمن‌های انتفاعی نمی‌شوند.

^۲ Integrity Pacts:

وسیله‌ای به منظور جلوگیری از فساد در معاهدات دولتی است که توسط سازمان شفافیت بین‌المللی تعریف شده است. به عبارت دیگر یک موافقت‌نامه میان ادارات دولتی است که ادارات را از گرفتن رشوه، تبانی با شرکت‌ها یا هر فعالیت فاسد دیگری به منظور افزایش احتمال برد در آن قرارداد، باز می‌دارد.

۳-۳- حمایت از حاکمیت شرکتی

اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار معمولاً از حاکمیت شرکتی خوب به روش‌های مختلفی شامل موارد ذیل حمایت می‌کنند:

- ایجاد یک کد رفتاری که اعضا را به انجام تجارت بدون توسل به فساد متعهد می‌سازد.
- افزایش آگاهی در رابطه با تأثیرات مخرب فساد از طریق برگزاری سمینار، کنفرانس و انجام مطالعات تحقیقاتی
- گردآوری آمار و اطلاعات در خصوص بهترین عملکرد و استانداردهای مورد انتظار مرتبط با سیاست‌های ضد فساد
- تشویق شرکت‌ها به تبعیت از حسابرسی شفاف
- ارائه آموزش‌هایی در ارتباط با مسائل مرتبط با فساد و اصول اخلاقی
- صدور مجوز

۴- پیش‌شرط‌های حضور اتاق‌های بازرگانی در مباحث مرتبط با فساد

ذکر این نکته ضروری است که درک درست فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک کشور پیش‌شرط اصلی برای توسعه استراتژی‌های مبارزه با فساد است. از سوی دیگر ارزیابی استقلال، تعهد و مشروعیت شرکای دولت در مبارزه با فساد هم امری ضروری است. در ارتباط با اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار این موضوع از اهمیت برخوردار است که اطمینان حاصل شود این سازمان‌ها هم اعضای زیادی داشته باشند و هم به‌طور کامل نمایندگی منافع اعضای خود را به عهده داشته باشند. علاوه بر آن، اعضای این سازمان نیز نباید درگیر اقدامات فساد آمیز بوده و سازمان باید به شکل کارآمدی اداره شود.

بانک جهانی یک لیست از مواردی که مقدم بر حضور اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار در بحث مبارزه با فساد است را تهیه کرده است. این موارد شامل ملاحظات داخلی و خارجی می‌شود:

۴-۱- ملاحظات داخلی

- تاریخ تأسیس سازمان
- مستقل از هرگونه منافع تجاری یا سیاسی به‌خصوص
- حمایت آشکار از رقابت بازار آزاد و اجرای قانون
- پیشینه ترویج اصول اخلاقی تجارت
- حسابرسی مناسب و شفاف‌سازی فعالیت‌ها
- مکانیسم‌های حاکمیتی مناسب

- دانش کافی از کسب‌وکارهای محلی و اعتبار
- نمایندگی طیف وسیعی از جامعه کسب‌وکار

۴-۲- ملاحظات خارجی

- داشتن اعتبار در میان سایر NGOs و انجمن‌های کسب‌وکار
- استفاده از نظرات CSOs، رسانه‌های گروهی و مقامات دولتی

۵- تجربه عملی مبارزه اتاق‌ها و انجمن‌ها علیه فساد در برخی کشورها

با وجود مطالب ذکر شده در بالا، اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار در برخی کشورها نقش پیشرو در مبارزه علیه فساد دارند. مشکل اما آنجاست که در بیشتر این موارد مطالعات صورت گرفته در زمینه تجزیه و تحلیل کارایی و تأثیر این اقدامات بسیار کمیاب است و به همین دلیل مشخص نمودن بهترین تجربه‌های عملی در این حوزه دشوار می‌باشد. در هر صورت این اجماع وجود دارد که هیچ طرح کلی در ارتباط با بهترین رویکردی که یک اتاق می‌تواند در زمینه مبارزه با فساد در پیش گیرد، وجود ندارد.

ادبیات موجود در حال حاضر بر اهمیت در نظر گرفتن محیط یک کشور، فرصت‌ها و تهدیدهای اصلاحات در کنار موانع اجتماعی و سیاسی قبل از تعریف هرگونه استراتژی مبارزه با فساد، تأکید دارد. علاوه بر آن مشارکت سایر ذی‌نفعان مانند CSOs در کنار اتاق‌ها و انجمن‌ها نه تنها به اعتبار این فرایند می‌افزاید بلکه به ارزیابی محیطی که فساد در آن اتفاق می‌افتد، کمک می‌کند.

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار نقش مهمی در ایجاد انسجام و تعریف استانداردهای ضد فساد برای کسب‌وکارها به‌طور عمده از طریق برنامه‌های صدور گواهینامه و پذیرش کدهای رفتاری^۱، بازی می‌کنند. این موارد در تجربه کشورهای فیلیپین و تایلند به‌وضوح مشاهده شده است. سایر زمینه‌های مداخله اتاق‌ها شامل آموزش، افزایش آگاهی و حمایت است که در کشورهای چین و ویتنام در حال اجرایی شدن است.

¹ Code of conduct:

مجموعه‌ای از قوانین مبتنی بر هنجارهای اجتماعی، مقررات مذهبی و مسئولیت‌ها یا عملکردهای مناسبی است که برای افراد تعیین می‌شود.

همچنین باید به طرح همبستگی زیمنس^۱ اشاره کرد که در کشورهای چین، فیلیپین و ویتنام اجرا شد. در این طرح شرکت زیمنس با هزینه‌ای در حدود ۱۰۰ میلیون دلار از شرکت‌هایی که با فساد و کلاهبرداری مبارزه می‌کنند، از طریق اقدام جمعی، آموزش و برگزاری دوره حمایت می‌کند.

۵-۱- چین

برنامه سکوا^۲ چین:

این پروژه از سوی طرح همبستگی زیمنس در سال ۲۰۱۱ تأمین مالی شد که هدف از این طرح تقویت نقش سازمان‌های عضوپذیر^۳ (BMOs) در چین بود. در این مورد اتاق بازرگانی چنگجو و اتاق ایالتی هانان به مبارزه علیه فساد پرداختند.

این برنامه با استفاده از کارشناسان اتاق‌های بازرگانی آلمان، انجمن‌های محلی و کارشناسان گیز (GIZ)^۴ راه‌اندازی شد. ایده اصلی این طرح بهبود فضای گفتگوی میان بخش خصوصی و دولت و بالا بردن ظرفیت اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار در چین از طریق آموزش قواعد اخلاقی، سیاست‌های ضد فساد و ایجاد استانداردهای مشخص برای فراهم آوردن فضای مساعد کسب‌وکار بود.

در طول سال اول اجرای این پروژه، چندین طرح در دستور کار قرار گرفت که از آن جمله می‌توان به ارائه پیش‌نویس کدهای رفتاری از سوی اتاق هانان، آموزش ابزارهای مدیریتی برای جلوگیری از فساد و تأسیس یک مرکز راهنما و خط ویژه تلفن برای گزارش موارد فساد اشاره کرد. یک کنفرانس هم از سوی اتاق بازرگانی چنگجو با حضور ۳۰۰ شرکت و اعضای دولت محلی برگزار شد که تمرکز آن بر بازبینی فرآیندهای تدارکات دولتی و ایجاد یک فراخوان جمعی به منظور اتحاد در این زمینه بود.

۵-۲- مالزی

در سال ۲۰۱۱ فدراسیون صنعت مالزی با همکاری سازمان شفافیت بین‌المللی کنفرانسی برگزار کرد که هدف آن بالا بردن آگاهی جامعه کسب‌وکار در خصوص اهمیت ایجاد برنامه‌های ضد فساد و تشویق

^۱ شرکت چندملیتی آلمانی تولید لوازم خانگی با تمرکز بر دستگاه‌های برقی، اتوماتیک و دیجیتال است. شرکت زیمنس یکی از شرکت‌های پیشرو در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌باشد. مسئولیت اجتماعی یک تعهد داوطلبانه از سوی شرکت زیمنس با هدف ایجاد یک جامعه پیشرفته بوسیله دسترسی همه مردم در سراسر دنیا به دانش و تکنولوژی این شرکت است. مسئولیت اجتماعی زیمنس بر سه پایه استوار است: دسترسی به تکنولوژی، دسترسی به آموزش و جامعه پایدار.

^۲ Sequa programme

^۳ The Business Membership Organisations (BMOs):

سازمان‌هایی غیرانتفاعی و غیردولتی هستند که نمایندگی و ارائه خدمات به کسب و کارهای عضو را به عهده دارند.

^۴ سازمانی مستقر در کشور آلمان با فعالیت در حوزه توسعه اقتصادی، بهبود اشتغال، انرژی و محیط زیست و صلح و امنیت

شرکت‌ها به بهبود برنامه‌های حاکمیت شرکتی^۱ بود. پیش از آن، سازمان شفافیت بین‌الملل مالزی، فدراسیون صنعت مالزی و سایر اتاق‌های بازرگانی در این کشور یک معاهده مبارزه با فساد امضا کردند که مطابق آن شرکت‌های مالزی متعهد به انجام کسب‌وکار بدون توسل به فساد شدند.

۵-۳-۲- تایلند

بخش خصوصی در کشور تایلند در قالب دو پروژه اقدام به مبارزه علیه فساد کرد. پروژه اول توسط موسسه مدیران تایلند و با هدف افزایش آگاهی از ریسک فساد در بخش خصوصی و حمایت از جلوگیری بروز فساد برگزار شد. پروژه دوم راه‌اندازی شبکه مبارزه با فساد بود که هر دو نمونه هم از تجربه‌های موفق در این زمینه به شمار می‌روند.

۵-۳-۱- ائتلاف اقدام جمعی بخش خصوصی در مبارزه با فساد (CAC)^۲

در سال ۲۰۱۰ مؤسسه مدیران (IoD)^۳ تایلند یک ائتلاف علیه فساد تأسیس کرد که شامل بزرگ‌ترین و پرنفوذترین انجمن‌های کسب‌وکار در این کشور بود. این ائتلاف از سوی گروه‌های مختلفی نظیر مرکز شرکت‌های خصوصی بین‌المللی (CIPE)^۴ حمایت می‌شد و هدف آن بالا بردن آگاهی از ریسک فساد در بخش خصوصی و ایجاد حمایت‌های ضروری به منظور جلوگیری و مبارزه با فساد بود.

"CAC" به‌عنوان بخشی از فعالیت خود بهترین عملکردها و تجارب مبارزه با فساد را به اشتراک گذاشت تا مشوق سایر شرکت‌ها برای پیوستن به این تلاش جمعی باشد. سایر فعالیت‌های انجام شده توسط این ائتلاف به قرار ذیل است:

- ارائه گواهینامه سلامت از فساد: این ائتلاف به شرکت‌هایی که فساد را کنار گذاشته و سیاست‌های درست را در پیش گرفتند، گواهینامه اهدا می‌کند. فرایند تأیید شرکت‌ها، توسط یک تیم داوری خارجی انجام می‌شود و لیست شرکت‌های تأییدشده به‌صورت آنلاین اعلام می‌شود. بر طبق گفته کارشناسان این گواهینامه به‌شدت در ادارات دولتی مورد احترام بوده و اغلب از سوی صندوق‌های خصوصی به‌عنوان معیاری جهت ارزیابی شرکت‌ها به‌منظور سرمایه‌گذاری است.

^۱ حاکمیت شرکتی، مجموعه روابطی است بین سهامداران، مدیران، حساب‌رسان شرکت که متضمن برقراری نظام کنترلی به منظور رعایت حقوق سهامداران جز و اجرای درست مصوبات مجمع و همچنین جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی است. بنابراین استقرار حاکمیت شرکتی صحیح می‌تواند پادمان‌هایی را علیه فساد و سوء مدیریت ایجاد نماید.

^۲ Private sector collective action coalition against corruption (CAC)

^۳ The Institute of Directors (IoD):

یک سازمان پیشرو برای بهبود وضعیت مدیریت حرفه‌ای و حاکمیت شرکتی در کشور تایلند است.

^۴ Center for International Private Enterprises (CIPE)

- تعهد شرکت‌ها به اقدام جمعی برای تجارت پاک: هر عضو جدیدی ملزم به امضای اظهارنامه‌ای است که در آن شرکت‌ها متعهد می‌شوند با ورود به یک فرآیند اقدام جمعی با حضور دولت، جامعه مدنی، رسانه‌های جمعی و سازمان‌های بین‌المللی به رشد و توسعه عملکردهای تجارت پاک کمک نمایند.
- الزام شرکت به رعایت کدهای رفتاری: اعضا همچنین ملزم به وفاداری به اصل امانت و درستی و شفافیت تعریف شده در کدهای رفتاری شرکت خود هستند.
- استفاده از ابزارهای خودارزیابی برای مقابله با فساد: این ابزار از سوی سازمان شفافیت بین‌المللی به منظور مبارزه با فساد تعریف شده است. هدف از به‌کارگیری این ابزار توانمندسازی شرکت‌ها به منظور ارزیابی صحیح کارآمدی و هماهنگی سیاست‌ها و فرآیندهای مبارزه با فسادشان است.
- ارائه برنامه‌های آموزشی: دو برنامه آموزشی جدید با کمک CIPE و IoD برگزار شد. جامعه هدف اولی آموزش مدیران شرکت‌ها به‌عنوان یک خطر اصلی در معرض فساد، سیاست‌هایی برای شناسایی این خطر و آموزش کارمندان بود. تمرکز دومی بر نظارت داخلی بود.

این ائتلاف به‌شدت در کشور تایلند مورد احترام است و تلاش دارد تا توجه رسانه‌های عمومی را به منظور کمک به جذب نیروهای جدید جلب کند [۲].

CAC در گام بعدی به دنبال افزایش قدرت گواهی‌های استاندارد خود به منظور هماهنگی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی است. در واقع این موضوع سبب کمک به شرکت‌های تایلندی برای معامله با شرکای خارجی خود در مسائل مرتبط با فساد است.

CAC همچنین همکاری نزدیکی با کمیسیون ضد فساد ملی دولت تایلند^۱ و سازمان ضد فساد تایلند^۲ دارد که مبارزات فساد از سوی جامعه مدنی را مدیریت می‌کنند. علاوه بر آن CAC دانش و تجربه خود در زمینه مبارزه با فساد را با آژانس‌های بین‌المللی نظیر مرکز اقدام جمعی B20 مبادله می‌کند [۳].

۵-۳-۲- شبکه مبارزه با فساد

در سال ۲۰۱۱ اتاق بازرگانی تایلند یک شبکه اتحاد میان بخش دولتی و خصوصی با نام شبکه مبارزه با فساد (ACN)^۳ راه‌اندازی کرد. در سال ۲۰۱۲ این شبکه ۴۶ عضو داشت که شامل ۳۰ انجمن صنایع، برنامه

¹ Government's National Anti-Corruption Commission (NACC)

² Anti-Corruption Organization (Thailand)

³ The Anti-Corruption Network (ACN)

توسعه سازمان ملل^۱ و سازمان های غیردولتی است. این شبکه به دنبال گرد هم آوردن دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. ACN چندین فعالیت را برای مبارزه با فساد در دستور کار خود قرار داد:

- اهدای جایزه سازمان سفید: این جایزه به سازمان هایی اهدا می شود که سیاست های حکمرانی شرکتی را به درستی اجرا می کنند.
- اعلامیه ضد فساد: اعضای این شبکه با امضای این اعلامیه ملزم هستند برای به دست آوردن قراردادهای دولتی هیچ گونه رشوه ای پرداخت نمایند.
- تأسیس یک مرکز تلفن برای دریافت گزارشات مردمی: در واقع به معنی وجود مرجعی است که اشخاص می توانند گزارش درباره فساد را آنجا ارائه نمایند
- بررسی شاخص فساد: هدف از انجام این مطالعه که با همکاری دانشگاه اتاق بازرگانی تایلند برگزار شد، بررسی شاخص ادراک فساد و کارآمدی دولت در مبارزه با فساد در کشور تایلند است.

۵-۴-فیلیپین

بخش خصوصی در کشور فیلیپین هم روش های مختلفی برای مبارزه با فساد دارد. به طور مثال می توان به طرح یکپارچگی با هدف تعریف استانداردهای اخلاقی برای شرکت ها و ائتلاف مبارزه با فساد اشاره کرد.

۵-۴-۱-طرح یکپارچگی^۲

در سال ۲۰۰۹، باشگاه تجارت ماکاتی^۳، یک انجمن تجاری که در سال ۱۹۸۱ تأسیس شد و مرکب از مدیران اجرایی ارشد شرکت های بزرگ فیلیپین بود، با همکاری اتاق بازرگانی اروپایی طرح یکپارچگی را راه اندازی کردند.

هدف از این طرح ایجاد یک سری استانداردهای اخلاقی و درست به منظور اداره بنگاه ها و تجمیع نیروهای دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی برای یک اقدام مشترک علیه فساد بود. بسیاری از فعالیت های این طرح در راستای تشویق و حمایت از شرکت های فعال در کشور فیلیپین به منظور عملکرد درست و مشارکت در مبارزه علیه فساد بود. مهم ترین پروژه این طرح با عنوان "شاین"^۴ در سال ۲۰۱۱ و با تأمین مالی از سوی زیمنس راه اندازی شد که هدف از آن ارائه گواهینامه به شرکت هایی بود که از اصول اخلاقی تجارت پاک در اداره بنگاه خود تبعیت می کردند. سایر فعالیت های پروژه شاین شامل موارد زیر است:

¹ The United Nations Development Programme (UNDP)

² Integrity Initiative

³ Makati

⁴ SHINE

- وضع کدهای رفتاری برای تجارت
- ایجاد یک تعهد جمعی در میان شرکت‌ها برای اداره شرکت مطابق اصول اخلاقی: این تعهد باید توسط سازمان‌های جامعه مدنی یا دیگر نمایندگان ارشد امضا شود. شرکت‌های امضاکننده این تعهد از منافع نظیر ارجحیت داشتن قراردادهای دولتی و خصوصی، دسترسی به پشتیبانی و خط ویژه برای اطلاع‌رسانی از فعالیت‌های غیرقانونی بنگاه‌ها و شناخته شدن به‌عنوان "شرکت پاک" در میان عموم بهره‌مند می‌شوند. وبسایتی وجود دارد که لیست کلیه شرکت‌های امضاکننده این تعهد را منتشر می‌کند.
- ایجاد یک سیستم ارزیابی: شرکت‌های امضاکننده تعهد فوق از این ابزار ارزیابی استفاده می‌کنند تا بررسی نمایند که آیا سیاست‌های آن‌ها در تطابق با کدهای رفتاری طراحی شده است.
- برگزاری مناسبت‌هایی نظیر کنسرت، جشنواره فیلم و سمینار در راستای بالا بردن آگاهی عمومی در خصوص مبارزه با فساد

از جمله دستاوردهای این برنامه می‌توان به برگزاری نشست همبستگی در سال ۲۰۱۲ با مشارکت بیش از ۵۰۰ شرکت اشاره کرد. شرکت‌هایی که عملکرد خوبی در رابطه با مبارزه با فساد داشتند، سیاست‌ها و فعالیت‌های خود را با دیگران سهیم می‌شدند. علاوه بر آن بیش از ۳۰ انجمن صنعتی و حرفه‌ای و ۲۳۳ سازمان کنسرسیوم همبستگی^۱ را امضا کردند که در واقع رویکرد بلندمدت‌تری برای توسعه عملکردهای اخلاقی در بخش خصوصی می‌باشد. این سازمان‌ها اعضای خود را به امضای تعهد فوق‌الذکر تشویق کرده تا با همکاری سایر بخش‌های اجتماع فرهنگ مبارزه با فساد را در جامعه خود بسازند.

۵-۴-۲- ائتلاف مبارزه با فساد

باشگاه تجارت ماکاتی همچنین یکی از بنیان‌گذاران ائتلاف مبارزه با فساد در کشور فیلیپین است. این ائتلاف، که در سال ۲۰۰۴ بنیان نهاده شد، شامل گروهی از نمایندگان بخش خصوصی، دانشگاهی، جامعه مدنی و کلیسا است. هدف اصلی این ائتلاف تقویت مشارکت عمومی در تصمیمات دولت و محدود کردن فضا برای رشد فساد است. این ائتلاف همچنین به‌طور گسترده‌ای بر روی حرکت‌های داوطلبانه برای نظارت بر خدمات بخش عمومی و فرآیند تدارکات عمومی تمرکز دارد. به این منظور، ائتلاف به شهروندانی که خواستار حرکت‌های داوطلبانه در راستای نظارت بر نحوه هزینه بودجه عمومی است، آموزش می‌دهد. به‌طور مثال

¹ Integrity Consortium

داوطلبینی از باشگاه تجارت ماکاتی، انجمن مدیران فیلیپین و کنفرانس اسقف‌های بازرگان^۱ به‌عنوان ناظر بر فرایندهای تدارکات در ۲۳ اداره دولتی در حال خدمت هستند.

۵-۵- ویتنام

شفافیت و درستی برای طرح‌های کسب‌وکار ویتنام (ITBI)^۲

در سال ۲۰۱۰ اتاق بازرگانی و صنایع ویتنام از سوی طرح همبستگی زیمنس^۳ کمک هزینه‌ای برای راه‌اندازی یک پروژه سه‌ساله با مشارکت مجمع رهبران تجارت بین‌المللی^۴ و بریتانیا دریافت کرد. این طرح با استفاده از یک رویکرد اقدام جمعی به دنبال افزایش آگاهی از اثرات مخرب فساد و بسیج نیروها در حوزه تجارت برای رفتار اخلاقی و مبارزه با فساد بود. ابزارهای مورد استفاده برای این منظور شامل انجام تحقیق در راستای بهبود آگاهی در رابطه با فساد، حمایت از اصلاحات، وضع قوانین و همچنین برگزاری دوره آموزشی در راستای آموزش رفتار درست و مبارزه با فساد بود.

به‌طور مثال اتاق بازرگانی ویتنام تحقیقی در رابطه با تجزیه و تحلیل مهم‌ترین اشکال، اندازه و تأثیر فساد در بخش کسب‌وکار کشور ویتنام انجام داد. یافته‌های این مطالعه با اعضای سازمان‌های جامعه مدنی و دولت به اشتراک گذاشته شد.

ITBI به‌عنوان بخشی از تلاش‌های حمایتی خود، سلسله گفتگوهای سیاستی با ادارات دولتی برگزار کرده و بدین‌وسیله تلاش دارد تا از بازنگری در قوانین مرتبط با فساد حمایت نماید. در سال ۲۰۱۲ یک شبکه مطبوعاتی با هدف تقویت نقش مطبوعات در بهبود تبلیغات، شفافیت و رفتار درست در میان شرکت‌ها تأسیس شد.

۵-۶- آلمان

در آلمان و در دهه ۹۰ و پس از رسوایی فساد در صنعت ساختمان، انجمن صنعت ساختمان باواریا اقدام به صدور گواهینامه تجاری با هدف افزایش رفتار درست در صنعت ساختمان، حفاظت از نام و آبروی این صنعت و همچنین آگاهی از واجد شرایط بودن شرکت‌ها قبل از ورود به فرآیند مناقصات کرد.

¹ Bishops Businessmen's Conference

² Integrity and Transparency in Business Initiative for Vietnam (ITBI)

³ Siemens Integrity Initiative

⁴ International Business Leader Forum

علاوه بر آن این انجمن در سال ۲۰۰۶ اقدام به راه اندازی یک طرح گسترده تر مبارزه با فساد با عنوان طرح مدیریت اخلاق^۱ کرد. شرکت های علاقه مند به پیوستن به این طرح، متعهد می شوند که قواعد اخلاقی را در دستور کار قرار داده و پس از پیوستن به این طرح هر ساله از سوی انجمن مورد نظارت قرار گیرند. گواهینامه به شرکت هایی داده می شود که به قواعد انجمن وفادار بمانند. شکست در تبعیت از سیاست های درست و ضد فساد می تواند منجر به اخراج شرکت از انجمن شود.

۵-۷- پاراگوئه

پیمان اخلاق کسب و کار (PEC)^۲

این پیمان در سال ۲۰۰۵ در کشور پاراگوئه و توسط اتاق مشترک پاراگوئه-آمریکا با حمایت سفارت آمریکا و با هدف بهبود رفتارهای اخلاقی در میان بنگاه های اقتصادی تأسیس شد. فعالیت های انجام شده در راستای این پیمان شامل ارائه گواهینامه به اعضا، نظارت های دوره ای و کارگاه ها و دوره های آموزشی است.

در سال ۲۰۱۰ قریب به ۱۵۰ شرکت خود را ملزم به تبعیت از قوانین اخلاقی ارائه شده در راستای این پیمان کردند. بیش از ۱۰۰ شرکت سوابق مالی داخلی خود را به منظور اثبات تبعیت از قوانین ملی و مقررات مالیاتی ارائه نمودند. علاوه بر آن، در بیش از ۸۰ شرکت دوره های آموزشی برای تدریس کدهای رفتاری برگزار شد. همچنین اتاق بازرگانی پس از گردهم آوردن شرکت ها، به منظور مبارزه علیه فساد از بخش دولتی و سازمان های جامعه مدنی نیز مدد جست.

۵-۸- روسیه

ائتلاف های منطقه ای به نمایندگی از کسب و کارهای کوچک:

در کشور روسیه از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۱، ۲۲۵ اتاق بازرگانی و انجمن های کسب و کار از سوی CIPE و دفتر نمایندگی ایالات متحده برای توسعه بین المللی (USAID)^۳ کمک هایی دریافت داشتند که این کمک ها به منظور ایجاد یک ائتلاف حمایتی با هدف کاهش فرصت فساد و موانع کسب و کار اهدا شد. این ائتلاف ها در تصویب بیش از ۱۳۸ قانون که سبب ایجاد تغییرات در حوزه هایی نظیر حقوق مالکیت، فرآیندهای تجاری و فساد شد، نقش بسزایی داشت.

^۱ Ethics Management Initiative

^۲ The Business Ethics Pact (Pacto Ético Comercial (PEC))

^۳ US Agency for International Development (USAID)

۵-۹- اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)^۱مقاومت در برابر اخاذی و درخواست رشوه در معاملات بین‌المللی (RESIST)^۲

ICC با همکاری سازمان شفافیت بین‌المللی، سازمان ملل متحد و مجمع جهانی اقتصاد^۳ طرح RESIST را راه‌اندازی کرد. این طرح، آگاهی کارمندان را برای چگونگی جلوگیری از درخواست‌های غیرقانونی بالا برده و توصیه‌هایی در رابطه با رفتارهای درست و اخلاقی زمانیکه با چنین درخواست‌هایی مواجه می‌شوند ارائه می‌نماید [۲].^۴

۶- سخن پایانی

آنچه مسلم به نظر می‌رسد آن است که در فرایند مبارزه با فساد اولین و مهم‌ترین گام برای استفاده از پتانسیل‌های اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار ایجاد و حمایت از یک ساختار گفتگوی دولت و بخش خصوصی است. این موضوع سبب می‌شود که اتاق‌ها و انجمن‌ها کانال‌های ارتباطی نظیر نشست‌های منظم، برگزاری کنفرانس و سمینار و امثال آن را در اختیار داشته و از این طریق اصلاحات مرتبط با فساد می‌تواند مؤثرتر واقع شود.

از دیگر سو، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های کسب‌وکار نحوه تأمین مالی است. تأمین مالی نباید اولویت یک اتاق باشد. مطالعات نشان می‌دهد که معمولاً اتاق‌های بازرگانی یا انجمن‌هایی که وابسته به هزینه عضویت اعضا نیستند در بحث مبارزه با فساد موفق‌تر بوده‌اند. گرچه این موضوع می‌تواند در عین حال مضر هم باشد. باید در نظر داشت عدم تمایل اعضا به پرداخت حق عضویت در یک اتاق می‌تواند شاخصی باشد که آن اتاق به‌خوبی توانایی برآوردن نیازهای اعضای خود را ندارد. اما وابستگی کامل به حق عضویت نیز بسیار غیرسازنده است و این خطر را دارد که این دو نهاد تنها تبدیل به وسیله دریافت پول شده و از مأموریت‌های اصلی خود دور شوند. عدم وابستگی به اعضا سبب می‌شود که اتاق‌ها و انجمن‌ها فعالانه‌تر عمل کنند و به دنبال منافع جمعی باشند. در مباحث مرتبط با فساد این عدم وابستگی می‌تواند بسیار سازنده و مثمر ثمر باشد. یک راهکار برای حمایت از استقلال اتاق‌ها و انجمن‌ها ارائه

^۱ The International Chamber of Commerce (ICC)

^۲ Resisting Extortions and Solicitations in International Transactions (RESIST)

^۳ The World Economic Forum

^۴ مرکز تحقیقات اتاق ایران تاکنون ۴ بولتن در ارتباط با قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی اتاق بازرگانی بین‌المللی جهت مبارزه با فساد به شرح ذیل منتشر نموده است: "قوانین و دستورالعمل اجرایی اتاق بازرگانی بین‌المللی در زمینه مبارزه با فساد"، "ماده قانونی اتاق بازرگانی بین‌المللی در زمینه مبارزه با فساد"، "دستورالعمل اتاق بازرگانی بین‌المللی در خصوص نمایندگی‌ها، واسطه‌ها و سایر اشخاص ثالث"، "دستورالعمل اتاق بازرگانی بین‌المللی در خصوص ارزیابی ریزکاوانه اشخاص ثالث (برای بنگاه‌های کوچک و متوسط)"

منابع جایگزین مطمئن مالی است. به طور مثال برگزاری نمایشگاه های تجاری، مشاوره های حقوقی تخصصی، خدمات کتابخانه و مستندسازی اسناد از جمله راه های کسب درآمد برای اتاق ها است.

یک مشکل دیگر در بحث همکاری اتاق ها در مبارزه با فساد آن است که اتاق ها از سوی دولت و اعضای خود تحت فشار هستند تا مشکلات فساد را از دیدگاه آن ها ابراز نمایند که این مساله، خودمختاری اتاق را محدود کرده و سبب می شود به عنوان ابزاری در دست ذی نفعان قرار گیرد. مهم تر از آن در حالیکه بنگاه های کوچک و متوسط و سایر بنگاه های کوچک متکی به بازارهای ملی و محلی احتمالاً تحت تأثیر عضویت در اتاق، ترغیب می شوند که به تلاش های مبارزه با فساد بپیوندند، اما بنگاه های بزرگ که به منابع مالی بیشتری دسترسی دارند و شرکت های خارجی که در صورت متهم شدن به فساد به راحتی می توانند تغییر مکان دهند، اشتیاق کمتری برای مشارکت در مبارزه علیه فساد دارند. بنابراین در کوتاه مدت و میان مدت به ضرر بنگاه های کوچک و متوسط است که در این مبارزه شرکت نمایند. در نتیجه تلاش برای مشارکت اتاق های بازرگانی و انجمن های کسب و کار نباید مستقل و مقدم بر بهبود فضای کلی کسب و کار یک کشور شامل کاهش بوروکراسی ناکارآمد و موانع مقرراتی، اصلاح قوانین تجارت و نظارت دقیق بر بنگاه ها باشد. این موارد سبب می شود که بنگاه های بزرگ به دلیل وجود قوانین قدرتمند و نظارت بر اجرای این قوانین نتوانند به آسانی از اجرای قوانین سرباز زده و اقدام به فساد کنند [۱].

موفقیت اتاق های بازرگانی در مبارزه علیه فساد می تواند تا حدودی بسته به یک مکانیسم ۴ مرحله ای شامل توسعه اقدام جمعی بر پایه ایجاد اجماع میان همه مشارکت کنندگان، ایجاد یک رویکرد واحد و متحد برای مبارزه علیه فساد و قوانین تجاری ناعادلانه، نظارت بر اجرای درست قوانین موجود و در نهایت بهبود گفتگو میان بخش خصوصی و سایر ذی نفعان باشد.

منابع و ماخذ

- [1] Anti-Corruption and the Role of Chambers of Commerce and Business Associations, available at: www.U4.no
- [2] The role of business associations and chambers of commerce in the fight against corruption, available at: www.U4.no
- [3] www.collective-action.com/content/private-sector-collective-action-coalition-against-corruption-cac